

اَسپد

در امریکانه

\$1.50

مقتله مردم افغانستان

شماره هشتم / سال بیست و پنجم / دوشنبه ۴ میزان ۱۳۹۵ / ۲۵ سپتمبر ۲۰۱۶ / شماره مسلسل ۱۰۲۵

پنج وجیزه آموزنده

صبر، شجاعت است،

تجربه، استاد است،

مرگ، اسرار است،

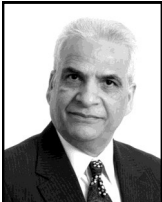
ایمان، افتخار است،

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه
واشنگتن بزرگ
که تازه ترین مواد خوراکی، انواع
میوه های فصل، نان های تازه
وطنی، روت ها، میوه های خشک
تازه وارد از افغانستان، و گوشت
های تازه مرغ، بره، گوسفند،
گوساله و گاو را با بهای مناسب
تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین

بیجه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and
financial needs, see State
Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت



بزرگداشت شهدای راه آزادی میهن، تجلیل از مقام رفیع قهرمان ملی، شهید سعید احمد شاه مسعود (رح) و شهید راه صلح استاد ربانی (رح)



گوشه از محفل بزرگداشت شهدای میهن، امراض صاحب شهید واستاد ربانی شهید



پروفیسر داکتر سید مخدوم رهین



محمد قوی کوشان، جناب امرالله صالح



شهید راه صلح استاد برهان الدین ربانی

این مرد سالمند از گرم و سرد زندگی داستانهایی زیاد دارد. میگوید در گذشته ها روزی چهار تانچ تابوت میساخته اما حالا با افزایش جمعیت شهرو شمار قربانیان جنگ هر روز ۳۰ تا ۴۰ تابوت میسازد. وقتی وارد کوچه تابوت سازی در شهر کهنه کابل شدم، با دیدن دهها تابوتی که جلومغازه های نجاری و



تابوت سازی گذاشته شده بودند، به میزان مرگ و میر در کابل به ویژه تلفات ناشی از جنگ پی بردم.

راهی مغازه زلمی تجار می شوم، مردی که حدود هفتاد سال دارد و تمام عمرش را در این منطقه سپری و نیم قرن به شغل تابوت سازی اشتغال داشته است. به گفته زلمی، پدرش او را از ۱۶ سالگی زیر دست یک استاد نجار گذاشت و از آن زمان تا کنون به تابوت سازی مشغول است.

او خاطرات زیاد از تابوت سازی دارد. برای هر قشر جامعه تابوت ساخته. برای ساختن یک تابوت دوساعت کار کرده و برای برخی دیگر حتی یک هفته هم وقت گذاشته، در دوران جنگ های داخلی بیشترین تابوت ساخته است. زلمی از روزهای کم کاری و بعضاً پر مشغله خود خاطرات زیادی دارد و میگوید در گذشته تابوت را از چوب خار (بلوط) یا ارچه (سرو کوهی) می ساختیم، اطرافش را منبت کاری و رنگ و روغن میکردیم. برای ساختن تابوت روزهای زیادی صرف میکردیم. شاید آن زمان روزانه دویاسه تابوت می ساختیم، در جریان جنگ روس ها و اشغال افغانستان، کارش رونق زیاد داشت، اما حالا روزانه ۳۰ تا ۴۰ تابوت می سازد و آنهم از چوب ساده و کم مصرف. او گفت تنها در یک روز برای قربانیان حمله انتحاری جنبش روشنایی در دوم اسد که در منطقه دهمزنگ رخ داد، حدود ۲۵ تابوت ساخته است. هیچ زمانی به اندازه سال های اخیر فرمایش ساخت تابوت نگرفته و دلیل آنرا هم افزایش تلفات ناشی از جنگ در حملات انتحاری و انفجارها می گوید.

این مرد کهنه کار کوچه تابوت سازی نیم قرن از عمرش را در همین کوچه کار کرده و حالا به استاد زلمی معروف است. تمام تابوت سازان به او احترام قابل هستند و به عنوان مرد سخت کار از او نام می برند. زلمی با پنجاه سال سابقه نجاری دست هایش می لرزد و چشمانش از اشک نم زده است، حتی بیماری قلبی نیز مانع از ادامه کارش نشده است. عشق به کار هنوز او را خانه نشین نکرده و هر روز در کنار پسران و نوه هایش به مغازه تابوت سازی می آید.

فلم «رفتن» به اسکار معرفی شد

۱۷ سپتمبر / کابل - بی بی سی: فلم رفتن به کارگردانی نوید محمودی و تهیه کنندگی برادرش جمشید محمودی به عنوان نماینده افغانستان به بخش فلمهای خارجی زبان اسکار معرفی شد. ابراهیم عارفی، رئیس افغان فلم گفت این فلم که در ایران ساخته شده، از سوی کمیته گزینش اتحادیه تهیه کنندگان افغانستان از میان چهار فلم معرفی شده به این کمیته انتخاب شده است. فلم رفتن از نظر محتوا، کارگردانی، داستان، تکنیک و ساختار بیشترین امتیاز گرفت و از میان ۴۲ فلم، جایگاه اول را دریافت و بصورت رسمی بعنوان نماینده افغانستان به اسکار نامزد شد. فلم های (گرگ و بره) ساخته شهربانو سادات، (قصه های شب افغانستان) ساخته رویا سادات و (پرند پرند نبود) ساخته میرویس آرش سه فلم دیگر بودند که کمیته گزینش آنها را در کنار فلم (رفتن) بررسی کرد.

فلم رفتن که محصول مشترک ایران و افغانستان است، مهاجرت و درد های

سروده اش فراهم آورد.

جوان برومند داریوش کبیر مطالبی جالب بیان کرد و جوان برومند دیگر مسعود جان، سروده و تر و تاش را به حضار تقدیم کرد و به روان پاک قهرمان ملی شهید سعید مسعود درود فرستاد.

پایان بخش این محفل شکوهمند، آواز ملکوتی فضیلت مآب امام شیرزاد باقرآت آیات الهی و دعاییه پرسوز و گداز بود، که بایان تکبیر از سوی حضار بدرقه شد.

بایسته است گزارش دهم اکثر سخنرانان گرمی به همه قوماندانان ارشد جهاد مقدس و مقاومت ملی مردم ما ارج گذاشتند، از شهید عبدالقدیر، شهید عبدالحق، شهید ذبیح الله، شهید مولوی شفیع الله، شهید سید جگلن، استاد عبدالصبور فرید و دیگر شهدا با تکریم و احترام یاد کردند.

پس از ادای نماز، حضار، که شمارشان حالا افزون بر دوصدو بیست نفر بود نان شب را که مدیران جری بلاسم بنکویت هال آقایان حاجی محمد عمر شجاع، ناصر شجاع و شیر شجاع و سر آشپز لایق و مطبوعاتی سابقه دار آقای محمود محبوب از کیسه سخاوت شان تهیه کرده بودند، نوش جان نمودند، و محفل حدود ساعت نه شب پایان یافت. گزارش دهنده: خاک محمد قوی کوشان /

قطع حمایت حامیان ترک تبار از عبدالله

۲۱ سپتمبر / کابل - بی بی سی: گروهی از سیاستمداران ترک تبار حامی عبدالله، به دلیل آنچه ناتوانی او در اجرای تعهداتش خواندند، با او مقاطعه کردند. شماری از آنان روز چهارشنبه ۳۱ سنبله در نشست خبری گفتند او نتوانسته به تعهداتیکه به این مجموعه سپرده بود، عمل کند. وحیدالله شهرانی، وزیر پیشین معادن، جمشیر انوری وزیر پیشین امور مهاجرین، سردار رحمان اوغلی مشاور عبدالله و نماینده پیشین مجلس، عبدالستار درزایی و محمد موسی جناب، نمایندگان فعلی مجلس و سلطنت کوهی عضو مجلس سنا از افراد شناخته شده این گروه هستند که در نشست خبری امروز حضور داشتند. رحمان اوغلی گفت: جناب داکتر عبدالله شما اعتماد ملت را نتوانستید حفظ کنید... ما امروز اعتماد خود را از جناب داکتر عبدالله پس میگیریم و اعلام میکنیم که مردم ما بعد از این با او مقاطعه سیاسی دارند و در هیچ کارشان او را مخاطب [قرار نمی دهد] و جدی نمی گیرند.

شهرانی گفت عبدالله همواره به او گفته بود که به دو هدف عمده اصلاح نظام انتخاباتی و تمرکززدایی از قدرت، وارد حکومت میشود، اما پس از دو سال نه تنها این دو هدف برآورده نشده، بلکه وی هیچ کاری هم برای آن انجام نداده است. بدست نیامدن این اهداف، برخلاف انتقادهایی که از نیم غنی میشود، ناشی از کم کاری، پایین بودن ظرفیت، عدم جدیت و ضعف شخص عبدالله بوده است.

در اعلامیه ای که این مجموعه منتقد تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری عبدالله صادر کرد، او به خود محوریت، کم کاری، ندانم کاری، غفلت و اهمال و ناتوانی در حمایت از آرام مردم بویژه ترک تبارانی که در انتخابات ۱۳۹۳ به او رای دادند، متهم شده است. نویسندگان اعلامیه از عبدالله در موضع گیریهای اخیرش که اشاره آن به افزایش تنش بین عبدالله و حامدزی بر سر تمرکز قدرت، اصلاح نظام انتخاباتی و استخدام های دولتی است، انتقاد و او را بازی با کلمات و ایجاد فضای عاطفی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت متهم کرده اند.

سخنگوی عبدالله گفت مردم از افشار مختلف حق دارند نگرانیها و انتقادات خود را ابراز کنند اما حکومت تشکیل شد، تعهداتی به مردم داد که بخشهایی از آن عملی شده و بخشهای دیگر آن نیز عملی خواهد شد.

چندی پیش دفن بقایای اجساد منسوب به حبیب الله کلکانی تنها پادشاه تاجیک تبار افغانستان و یارانش در تپه شهر آرا باعث برخورد خشونت آمیز میان هواداران شماری از سیاستمداران ترک و تاجیک شد.

عبدالله و منابع نزدیکش تاحال به اظهارات این منتقدانش واکنش نشان نداده اند. بیشتر کسانی که با عبدالله مقاطعه سیاسی کردند، در گذشته روابط نزدیک با

گزارش فشرده از محفل پانزدهمین سال هفته شهید وشهادت قهرمان ملی، شهید سعید

امر صاحب احمد شاه مسعود (رحمت الهی شامل حالش باد)!

۱۷ سپتمبر / ورچینیا — هفته نامه امید: در آگهی مربوط به هم میهنان ارجمند اطلاع داده شد که محفل ساعت چهار دیگر روز ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۶ برابر با ۲۷ سنبله ۱۳۹۵ آغاز میشود، اما طبق عادات ماضیه سبیه، از ۴/۳۰ بکان یکان آمده رفتند و با حضور صد و چند نفر، مجلس باتلاوت آیات کلام الله مجید توسط فضیلت مآب حاجی محمد اکبر شیرزاد، مجاهد جهات پیروزمند ما نور باران گردید، محمد قوی کوشان، گرداننده محفل عریضش را به حضار تقدیم نمود - متن آن در همین شماره درج است - نخستین سخنران جلالتمآب پروفیسر داکتر سید مخدوم رهین، رئیس دانشگاه سویسی در کابل و سابق وزیر باتدبیر اطلاعات و فرهنگ بودند، بیانات شان بر آگاهی حضار افزود. جناب مجاهد نامدار الحاج امان الملک جلاله باباجان، نثر و نظم شانرا به فارسی و پشتو تقدیم داشتند و مورد توجه و استقبال حضار قرار گرفت.

انجنیر گرمی و دانشمند جناب عبدالصبور فروزان، استاد فعلی دریکی از یونیورسیتی های ایالت نیوجرسی، و از یاران وفادار امر صاحب شهید (رح)، از خاطرات شان با امر صاحب داستانهایی لطیف و ظریفی بیان کردند و حضار را مستفید ساختند. دوشیزه ماریا پوپل و اعطی از فعالان فرهنگی افغانستانی در ورچینیا، سروده خوش رادر ثای امر صاحب و سروده مادر دانشمندش بانوحیظه و اعطی پوپل راه زیبایی دکلمه نمود که در ثای امر شهید گفته شده بود، هر دو سروده را حضار با کف زدنهای پیهم بدرقه کردند. آقای سید شفیع عیار برنامه ساز محبوب تلویزیون (راه ابرینم) لختی اندر باب سجایای پسندیده و خصایل خجسته امر شهید فرمود و براوضاع جاری میهن اندیشمندان و آگاهانه روشنی انداخت، سپس جناب انجنیر رضا افشار، مرد خیر و نکوکار جامعه ما در ورچینیا، که تیم خانه بسیار مجهزی را دوازده سال پیش در کابل بنا نهاده و جمعی از مستحق ترین یوگان و یتیمان را سرپرستی نموده، مکتب آن نهاد لایقترین دانشجویان راه دانشگاه های دولتی و خصوصی معرفی کرده است، درباره نکویی های امر شهید و دوست محبوبش شادروان قوماندان سید حسین انوری یاد آور شد، و حضار محفل از سخنان شان صمیمانه استقبال کردند. خانم الهه احرار مطلبی به نثر و قطعه منظوم را در ثای شهدای نامدار و گننام راه صیانت آزادی، عزت و استقلال میهن، با سلاست کلام قرائت کرد و حضار با علاقه فراوان به آن گوش دادند.

جناب امام مسجد ابوبکر صدیق (رض) در شهر فلشنگ نیویارک الحاج محمد اکبر شیرزاد، شرحی درباره مقام شافع و رفیع شهید نزد خالق یکتا فرمود، از سجایای اسلامی و ملی قهرمان ملی، و شهید راه صلح استاد برهان الدین ربانی و سایر بندگان صالح خدا که خلعت شهادت را شادمانه بر تن کردند، تاشرف و آزادی در سرزمین پاک خراسان زمین جاودانه شود، با نکویی تمام یاد کردند. حوالی ساعت هفت شام، دوست ارجمند محمد عمر غفورزی مرآ آگاه ساخت از تشریف آوری مجاهد نامور و فرزند صالح میهن، جناب امرالله صالح به محفل. با داخل شدن جناب صالح به سالون، بیشترینه حضار برای ابراز محبت به ایشان و قدردانی از حضور شان در محفل، به پا ایستادند. گرچه شخصیت فحیم آقای صالح، رئیس عمومی سابق امنیت ملی راهمگان بانکویی تمام میشناسند، اما گرداننده محفل یاد آور شد که این همان بزرگمردی است، که جنرال مشرف فاقد شرف، در حضور شرف باخته دیگر مشهر به حامد کرزی، او را مورد توهین و تحقیر قرار داد و به کرزی دستور و هدایت داد تا این پنجشیری دشمن پاکستان (جناب امرالله صالح) در کرسی ریاست امنیت افغانستان نشسته، مردم تان روی سلامت و شادی را نخواهند دید (گویا پس از استعفا دلیرانه صالح، مردم ماد یگر شاهد انفجار و انتحار و قتل و کشتار نیستند!!!) و کرزی نوکر انگریز و آی اس آی، یک کلمه که مناصفه آن میشود نیم کلمه، در جانب داری از رییس عمومی امنیت کشور شگفت زیرا جرأت اینکار را در برابر سرکارش نداشت! گفتار شریفانه و صادقاته جناب صالح و احضار بادقتی بی نظیر شنیدند و از معلومات ایشان درباره امر صاحب شهید قهرمان ملی احمد شاه مسعود

محمدنعم کبیر
سکره منتو – کالیفورنیا
معروضه به پیشگاه قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود

تو ای پور وطن برخیز
تو ای والا کهر ای مظهر ایمان
تو ای مرد ابر اسطورهٔ دوران
تو ای مسعود، ای ذکر تو جاویدان!
تو ای پور وطن برخیز
نمی بینی که مین سخت بیمار است
اسیر پنجه های شوم شیادان مکار است
هرات و بامیان و بلخ و بغلات
سرپل، فاریاب و غور و یمگانت
به هر کوی وبه هر وادی

به هر شهر و دیار تو، صدا و شور های وهوی ضحاکان خونخوار است
فغان وشبون و فریاد طغقان است!

توای پور وطن برخیز!
که یکبار دگر کشور به دستان تبهکار است،
که یکبار دگر هنگامهٔ رزم است و یکار است!
تو ای پور وطن برخیز!

که دشمن باز با زور و فریب خویشتن
بی تسخیر کاخ و کوخ و ایوان است،
بی تسخیر تاج و تخت و دیوان است،
بی تسخیر کوه ودشت و دامان است،
گدایی چند شامی خفته اندر بستر شاهی
شغالی چند روزی می زند لاف شهنشاهی!
هزاران حیف ازین مردم، هزاران حیف ازین کشور،
که در بند و اسیر الهیان نامسمان است!

تو ای پور وطن برخیز!
نمی گفتم که پیر بی خرد مدهوش و بیمار است؟
نمی گفتم که این اعجوبه از خیل ستمکار است؟
نمی گفتم که این قصاب ها از صلح بیزار اند؟
مداری ها، نمی گفتم همه دزد اند و غدار اند؟
نمی گفتم که این دیو و ددان کور و کر و لا اند؟
همه آذوقه خور آخور ایلیس و دجال اند؟!

تو! ای پور وطن برخیز!
نمی گفتی که دشمن سخت مکار است؟
نمی گفتی طالب خصم خونخوار است؟
نمی گفتی که این مین فروشان
نو کر دینار و کلدار است؟

نمی گفتی نفاق و کجروی خصم تبهکار است؟
نمی گفتی هزاره، تاجیک و پشتون رفیق اند و برادر؟!
ز یک کیش و ز یک آیین، ز یک خاک و ز یک کشور!
نباشد فرق بین ازبیک وایماق، نباشد فرق بین ناه و رستاق!
نباشد فرق بین لو گر و کابل، نباشد فرق بین قتلز و زابل،
همه پرورده و فرزند این خاک اند و زادهٔ این مین پاک اند،
وطن آزاد کی گردد؟ نباشد فرق تو و من؟
وطن آباد کی گردد که این از تو، که این از من?!

تو! ای پور وطن! برخیز!
که خوانیم صد درود بیکران بر روح آن سرباز،
که می رزمذ چو رستم در صف پیکار،
ولی این رهنان خوار ویی مقدار،
همی دزدند از هم نان وهم ابزار!
هزاران نفرت مردم به این جادو گر مکار،
که سر می ساید اندر آستان دشمن غدار،
به دشمن می فروشد افتخار و سله و دستار،
نه شرم از خلق دارد نی حیا از خلق جبار!
گیوتن می سزد بر حلق این نامرد بد کردار!

به پاخیز ید ای مردم! که این کاخ ستم برکنده، طرح نو دراندازیم،
بساط عدل وداد و مردمی سر تاسراندازیم،
جفاکاران خاین را برون از کشور اندازیم!
چه خوش فرمود حافظ شاعر شیرین کلام ما:
هزاران دسته گل بر تربت آن سرور اندازیم!
«یکی از عقل می لافد دگر طامات می بافد
یا کین داوری هارا به پیش داور اندازیم!»
بخواب آرام ای پور وطن آرام! دوباره بر فراز شامخ پامیر،
همای عدل در پرواز خواهد شد، دوباره از فراز بام ها،
صدای نعرهٔ الله اکبر طنین انداز خواهد شد!
دوباره شهرها و روستاهای خراسانت،
ز ین همت آزادگان آزاد خواهد شد!

دوباره مادران پاک این مین، دو صد سهراب خواهند زاد،
هزاران ظاهر و بومسلم و مسعود،
ز خون خود نهال حریت را آب خواهند داد!
وطن آزاد خواهد شد، وطن آباد خواهد شد!
شکوه وشوکت دیرینه اش را باز خواهد یافت جلال وعظمت پارینه اش را باز خواهد یافت!

مداری ها وقصابان وساحرها، همه خود را خواهند یافت به پای چوبه های دار،
وطن آزاد خواهد شد، وطن آباد خواهد شد، سروسامانهٔ دشمن همه بر باد خواهد شد! /

بر میآید که او آرزوی فرمانروایی نداشت، و دیگران راه اتحاد و اتفاق و تشکیل حکومت توصیه میکرد. * ایمان مسعود به خدا چون کوهی استوار بود. در مسلمانی معتدل و میانه رو بود و از دین افراطی و ناسیونالیسم قومی وزبانی که کشورش راه بردباری رهنمونی میکرد، گریزان بود. * آزادی و وطنپرستی نشانه های بزرگ این رهبر عالی مقام بود. * مسعود احترام خاصی به حقوق

پروفسر داکتر حمید هادی

مسعود در توفان سیاست های منطقه‌ای و جهانی
درین هفته که سالگردشهادت یک رادمرد بزرگ افغانستان یعنی احمد شاه مسعود فقید را تجلیل و از رهبریت، کاردانی، حمایت از حریت و آزادی کشور و مردم سرزمین ها توسط این شخصیت والا تقدیر میکنم، هنوز هم افغانستان و کشورهای دیگر اسلامی در آتش نفاق، جنگ، خونریزی و تعصب نژادی و ناسیونالیسم و شرارت های دین افراطی می شوزند. درین ایام بیشتر از همه وقت کلمات و گفتار مسعود فقید در گوش های مازمزمه میشود و در فضا طنین انداز مییاشد.

با وجودیکه کشور و مردم نا توان افغانستان در مسیر تقریباسه صدسال گذشته از حکمفرمایی قانون، عدالت اجتماعی و تامین حقوق بشری بهره بوده وسیستم سیاسی کشور و رهبران دولت تهدای ا زدمو کراسی، یعنی حکومت مردم و آزاد منشی فردی بنیاد نکرده بودند، با آنهم مردم به اصطلاح نفس میکشیدند وبه زندگی بخور و نمیر ادامه میدادند. تاریخ شهادت میدهد که فاجعه ایکه در افغانستان بوقوع پیوست و بعد تر حوادث خونباری را بدنبال داشت، اصلا با تعرض روس های سفاک بر سرزمین ما آغاز یافت. این تعرض نه تنها شالودهٔ یک کشور مظلوم، غیور و آزاد یخواه را از هم فرو ریخت، بلکه این حملات خونبار در خارج از افغانستان انتشار نموده و تشنجات بعدی را از آسیاتا اروپا، امریکا، شرق میانه و افریقایه میان آورد که در نتیجه تا امروز ملیونها فرد بشر را از تولید هشت افگنی وجنگ به تباهی کشانیده و یک سلسله ممالک جهان خصوصا کشورهای اسلامی شرق میانه را ویران نموده است.

در چند سال گذشته حاصل این فاجعه ۶۰ میلیون مهاجر مسلمان از خانه و کاشانهٔ آنها بوده که پنجاه درصد یعنی ۳۰ میلیون آنها اطفال بوده است، درین بحث مختصر دوموضوع و نتایج تباه کنندهٔ آن برای کشور عزیز ما و تغییرات سیاسی بعدی و حوادث خونبار در دیگر نقاط جهان بشریت، و دوم، نقش مسعود فقید در ین توفان حوادث سیاسی و یادبودی از ماهیت شخصیت ورهبریت این مرد بزرگ.

مورخ ونویسندهٔ توانای کشور جناب داکتر حق شناس حملهٔ روسها و جانبازی افغانها را چنین خلاصه میکند: «در فاجعه ایکه در کشور ما اتفاق افتاد، خونین ترین جنایتی بود که چشم ایام کمتر دیده و گوش تاریخ اندک شنیده است. یک قدرت شیطانی عصر با ساز و برگ پیشرفتهٔ آدم کشی ولشکر خونخور و اهریمنی بر ملت بیچاره و مظلوم و نهیدستی که جز مهرورزی و انساندوستی و صلح و آزادی شعاری نداشت، حمله نموده و هر وحشت وبربریتی که از دشش ساخته آمده مضایقه نکرد. صد هاهزار انسان بیگناه کشته و ملیونها زن و مرد از خانه و کاشانهٔ خویش آواره شدند. قومی ملحد و خدا ناسناس بر آیین خدایی و خدا پرستی تاختند تا مردم را قتل عام کنند و ثروت های سرشار طبیعی ودست نخوردهٔ کشور آنها را از خود سازند. این تاخت و تاز و وحشیانهٔ عصر و این صحنه های دلخراش والناک هر چند دور از اقیانوسها و در گوشهٔ دور افتادهٔ از جهان قرار داشت، اما همانند صاعقهٔ در فضا پیچید و قلب و احساسات جامعهٔ بشری راه شدت تکان داد. در مسجد جو کلیسا افتاد، از عرب و عجم فریاد برآمد، کافر ومسلمان همدردی نشان دادند، از هر جامعهٔ نقیری برخاست و از هر اتجنمن نفرت و انزجاری، اما دلبو شناخت هر یک از ین فاجعه به اندازهٔ برداشت شان بود وقضایوت و داوری آنان بقدر حوصلهٔ شان. خود ینز قیام کردیم وباسنگ وجوب، باختر و شمشیر و تفنگ و هر چه در دست داشتیم در دفاع از وطن خود برخاستیم. فرزندان توحید و پاسداران ایمان و آزادی به قربانگاه رفتند و از سربازی وجانبازی داستانها آفریدند. دستهٔ به رسالت یاز بدند وعهده دار قیام ورهبری آن شدند.» حملهٔ ارتش سرخ و اشغال افغانستان یک نقطهٔ انتقالی در حیات مردم ما وسایست کشورهای منطقه و شیوع جنگ وخونریزی در خارج افغانستان یعنی قارهٔ امریکا، اروپا، افریقا و کشورهای شرق میانه شد. در حقیقت پس از خروج اردوی سرخ از افغانستان وعدم توجه امریکا در معضلهٔ افغانستان زمینهٔ را برای بروز جنگ داخلی آماده ساخت. در ین بی ثباتی که دسته های مختلف مجاهدین برای اخذ قدرت با هم جنگیدند، مداخلهٔ پاکستان درامور داخلی کشور، و فرستادن طالبان برای اشغال افغانستان، زمینهٔ را برای نشو ونما و تشکیل دهشت افگنان القاعده هموار نمود. استیلا ی طالبان و ورد سیل آسای شاگردان مدارس اسلام افراطی دیوبندی، بازی سیاسی بزرگ دیگری در منطقه بود که بر برنامهٔ راهبایی قدرتهای بزرگ غرب به طرف شمال و رسیدن به منابع سرشار نفت آسیای میانه پیریزی شده بود. از ین هیولای سیاسی دهشت افگن عرب بنام اسامه بن لادن و دسته اش در افغانستان سر بلند کردند و با حمایت طالبان، بر امریکا حمله ومنجر به تر اژدی ۱۱/۹ شدند. متعاقبا حکومت طالبان در کابل توسط قوای امریکا سقوط داده شده و پلان حمله بر عراق پیریزی شد. با وقوع تر اژدی ۱۱/۹ پرده از روی سیتز بالارفت و یاز یگران دیگر ظاهر شدند. یک دستهٔ جمهور یخواهان جدید یا NEO- CONSERVATIVE های امریکا که شاگردان مکتب Leo Strauss و Willstatter در کالج شهری نیویارک و یونیورستی شکاگو بودند و درس آرزوی تسلط جهانی رامی پرور بدند، باز یکان صحنهٔ جدید بودند. نظریهٔ این گروه شباهت به اید یولوژی Trotsky روسی بود و حل مشکلات رانتها از راه زور و جنگ میدانستند. آنها عاقبیده داشتند که فاجعهٔ ۱۱/۹ موقع مساعدی برای پیاده کردن نظریات آنها بوده است. به همین اساس جنگ عراق براه افتاد وبه تعقیب آن تا امروز از لیبیا، سوریه، عراق، مصر و دیگر ممالک اسلامی ملیونها مسلمان قربانی شدند یادستخوش مهاجرت و دیگر بدبختی هاشده و از ین این مصیبتها شبکهٔ دیگر دهشت افگنی یعنی داعش یا ISIS ظهور نموده است.

از حملهٔ روسها تا ظهور داعش بمبین این حوادث چون زنجیری بهم ارتباط دارند و میتوان ادعا کرد که اگر حملهٔ روس بر افغانستان نبود، شبکهٔ دهشت افگنی القاعده ایجاد نمیشد و اگر حملهٔ امریکا بر عراق نمیبود امروز داعش وجود نمی داشت.

نقش احمد شاه مسعود فقید به مقابل روسهای متعرض که منشأ اکثر اختلافات سیاسی بشمار میرود، خیلی جالب وبراننده است. باوجودیکه در جنگ برای استقلال کشور تمام اقوام و مردم افغانستان مساویانه سهم گرفتند و قربانی دادند، اما پلانگذارهای جنگ گوریلا یی، شجاعت، احساس وطنپرستی، درایت و کاردانی از حساسه آفرین بود. همه میدانیم که تاریخ کشورهای جهان باباستر متلاطم و پر غوغای آن همیشه شاهد بروز وظهور مرد دانی بوده است که موجودیت برانندهٔ آنها تأثیر عمیقی در تدوین و تکامل دوره های مختلف تاریخی بوده ونقش تعیین کنندهٔ درس نوشت ملل داشته است. مسعود یکی از همین قهرمانان بود که در مشکلتن ین ایام اشغال افغانستان توسط روسها ودورهٔ تسلط طالبان والقاعده، برای آزادی کشور مردانه جنگید. این مرد بزرگ در آسایشگاه محقری زندگی داشت، در شرایط ابتدایی ساده ولباس ساده اما روحیهٔ بزرگ برای دفاع با دشمن غول آسای پنجه نرم کرد. مقاومتش باجنگ علیه روسها با مهارت خاصی که منحصر به جنگ گوریلایی بود، در چهار صفحه پیریزی شده وحمایت اکثر مردم را با خود داشت. مورخین مینویسند در جنگی که روسها در طول یک هفته چهار هزار راکت از آنسوی دریای آمو بر درهٔ پنجشیر پرتاب کردند و صدها طیارهٔ جنگی این درهٔ زیبا را بمباران میکرد، و در هفته های اخیر به تعداد سی هزار عسکر اردوی سرخ وارد

کرو لاینا ی شمالی

یادداشت مدبر

شرح مسخره بازی های سفیر صغیر محب!
در پایتخت ایالات متحده، در میان باورمندان به جهادمقدس ومقاومت ملی، در چهارده سال، رسم بر این رفته که حداکثر در فاصلهٔ چهار پنج روز از نهم سپتمبر (روز شهادت آمر صاحب بزرگوار) و گاه یک هفته، هفتهٔ شهید وسالگردشهادت آن شادروان، محافل بزرگداشت برگزار شود، اما امسال در مورد یک توطیه نامردانه و احمقانهٔ دولت مزدور پاکستان وانگریز عنی احمدزی جیده شدومجری آن کوچک مردی به نام حمدالله محب، سفیر صغیرش (هنوز سی ساله نشده) در امریکا انتخاب گردید، واین خبیث چوچهٔ ایلیس هم ماهرانه با ابراز محبانة (نشان دادن باغهای سبز و سرخ) کمیتهٔ برگزاری آن محافل درواشنگتن را(غولاند)!

شرح ماجرا در دنبالهٔ این معروضه به شرف مطالعهٔ تان میرسد، اما باید افزود که نصاب پد رانه و کریمانهٔ ریش سپید مرد مورد احترام جامعهٔ افغانستانها در ین منطقه، جناب الحاج امان الملک جلاله به آن کوچک مرد، بر حکم استادانادان زبان فارسی، حضرت سعدی(چون گرد کان برگنبد)، همچون (زمین شوره زار) ومثل (سگ بر گشته از مکه و بیرون شده از آب که پلید تر میشود) مهر تایید گذاشت!

اینهم سخنان آغاز ین این عاجز در محفل ۱۷ سپتمبر در جری بلاسم به نام ایزد داناو توان، من ناگزیرم توضیح کوتاهی عرض کنم که امسال چرامحفل ما اینهمه دیر تر برگزار شد، روز ۷ سپتمبر، ده روز پیش، از سفارت صغرای افغانستان در واشنگتن دی سی کسی بنام حمدالله محب سفیر صغیر دولت دست نشانه و مزدوریگانگان و رهبر فاشیستهای پشتون یعنی احمدزی، به من پیام داد که امسال شما در محل، هر ساعت وروزی که باشد بیا اطلاع بدهید ماهمه اعضای سفارت می آییم وشخصی خودم سخنرانی میداشته باشم، که البته نظریه اینکه سفارتها اولین جایگاههای اند که در خارج افغانستان این کار را باید در طول ۱۴ سال هم میکردند، بدین خاطر من واقعا خوشنودشدم. باز فرادیش (۸ سپتمبر) من اعلان محفل را با مفاهمه باشخص رابط بین سفیر ونده، نوشتم که این محفل از طرف سفارت تکیرای دولت جمهوری اسلامی افغانستان (آنوقت همینطور نوشتم)، با همکاری جمع کثیری از افغانتهای مقیم شرق امریکا، در مقر سفارت (دایر میشود)، ومتن آنرا به نشانی ایمیل رسمی سفارت، که از سایت سفارت نقل کردم، فرستادم و به شخص رابط هم خواندم، و او آنرا تایید نمود.

دو روز بعد در تلو یز یون آریانای کابل در یک برنامهٔ زنده (لایف) به من فرصت دادند و آن آگهی را با صدای خودم خواندم، وطبق گفتهٔ نمایندهٔ آن تی وی در نیو جرسی، شام ۱۵ سپتمبر همان متن راسه بار پیش کرد. روز دیگر باز ین اطلاع دادند که جناب سفیر میخواهد، چون امکانات پذیرایی مهیاست، محفل روز شهید و قهرمان ملی را در ساختمان سفارت برگزار کند، اگر دوستان قبول کنند. من راستی بیشتر خوشنودشدم و گفتم نور علی نور! فهوالمراد! به دوستان که عرض کردم همه خوشحال شدند. روز دیگر باردگر اطلاع گرفتم که آقای سفیر میخواهند روز جمعه ۱۶ سپتمبر چند نفر اعضای کمیتهٔ برگزار کننده رادر سفارت ببینند تا برنامه را با هم مرور نمایند، پس از آن از سفارت گفته شد که چون سفیر روز جمعه ملاقاتهای زیاد دارد، شماروز پنجشنبه ۱۵ سپتمبر ساعت ۳/۱۲ چاشت بیاید.

روز مهوود با جنابان الحاج امان الملک جلاله، حاجی محمد عمر و ناصر و شیر شجاع، همراه با انجنیر افشار و فریدون رحیمی به سفارت رفتیم و مارابه اتاقی که قبلا دفتر سفیر بود بردند که میز درازی با چوکی ها زیاد در اطرافش بود، رهنما مارابه چوکی نشاند، پنج نفر از اعضای بلند رتبهٔ سفارت و یک خانم برای یادداشت گرفتن حضور داشتند وبعد سفیر صغیر وارد شد، و من احساس کردم باهمهٔ ما با یک کراحت ملموس به اصطلاح دست دادو خطاب بمن امر کرد! شما چه پروگرام دارید؟ من نخست دوستان همراهم راه او معرفی کردم واندهک از سوانق جهادی و مقاومت ملی، ونیز همکاری صمیمانهٔ دوستان دیگر با کمیته گفتم وبه تشریح مفصل برنامهٔ کمیته پرداختم که بعد از آنکه فضیلمتاب مولانا شیر زاد محفل را با آیات کلام الله شریف افتتاح فرمودند، نخستین سخنران جلالتماب شماستید بدون قید و محدودیت زمان، پس از شما دیگر دوستان سخنرانی خواهند کرد. او این گپهایم را بیساریا دقت شنید و یادداشتهایی نوشت و پرسید در حدود چه تعداد نفر خواهند آمد؟ گفتم سلهای اول بالاتر از یک هزار نفر می بود اما آهسته آهسته کاهش یافت، چون ازدل برود هر آن که اذ دیده رود، گاه ۳۵۰ گاه ۳۰۰ و چند بار هم ۲۵۰ نفر حضور یافته اند! گفتم بسیار خوب، چیزیکه مافکر کرده بودیم روز شهید را تحلیل میکردم باحضور ۵۰ نفر و ختم قرآن ونان و آب و همه رخصت میشوند! آن سفیر صغیر در نظر داشت باما فقط ده دقیقه گپ بزند و بعد به ملاقات هایش برود، اما چون ضرب زبانی ما او را خوش آمد، نزدیک به ۴۵ دقیقه بامان نشست! این محب آغا در طول گپهای درازش یکبار نام قهرمان ملی را نگرفت، که لعنت خداوند بر این محب آغا باد! سر آخر هم نه برد ونه آورد، فقط (صغیر بر آورد و گفت ما اینکار رانی توانیم! جناب جلاله برایش بسیار صریح توضیح داد که این روز جنبهٔ مذهبی دارد که شما این بخش را بسیار خوب گفتید، ختم قرآن مجید بهترین تحفه است به شهدای راه خداوند، ولی این روز جنبهٔ ملی هم دارد و ما قهرمانان جهاد و مقاومت از شرق تاغرب وجنوب تا شمال داشتیم که خنهای پاک شانرا در راه صیانت وطن ریختند، برای همهٔ ما مقابل احترام هستند و از همین قبیل (حرفها). محب آغا ایستادش وبدون رعایت آداب معاشرت معمول، بدون دست دادن با مه مانانش گفت شما با همکارانم به یک توافق برسید وخود اتاق راترک کرد!

وضع طوری پیش آمد که وقتی ایستاد بودیم، به دوستان همراهم گفتم خیال میکنم ما کدام مسألهٔ دیگر با ینها نداریم، میرویم و برنامهٔ خود را پیش میبریم و اینها پروگرام خود را! مگر سه نفر از اراکین سفارت گفتند نی خدا نکند اینطور واقعه شود، برنامهٔ که شما دارید، ما تماشا را بیجای آوریم و در تامین مخارجش هم سهم می گیریم. پس برای تقریبانیم ساعت دیگر نشستیم و گپ بجایی رسید که در مورد نوع اغذیه وتهیهٔ دو صد چوکی صحبت شد، وقتی از سفارت برآمدیم پس از یک ونیم ساعت، انجنیر افشار بمن تلفونی گفت یکی از کارمندان سفارت به او گفته: من جرأت نمیکنم بخاطر ریش سفید این آدم، به او بگویم، ولی واقعیت اینست که هیأت بزرگی از کابل بخاطر مجمع عمومی ملل متحد میآید و یک نشست سه جانبه ونشست چهار جانبهٔ دیگر برگزار میشود، سفیر باید در آنجا حضور داشته باشد. منهنم تایید کردم که با بداهیات باشد، و یک راه ساده هم پیشنهاد کردم که بکنفری که بتواند فلمگیری کند بیاید وسفیر گفتنار خود را بیان کند وبه حضار در محفل سفارت توضیح کند که چرا به نیویارک رفته، این قناعت مردم رادر محفل بارمی آورد. ساعتی پس از تر آقای افشار باز مرا در جریان اصل ماجرا قرارداد (که خر سفارتیان از اول دم نداشت!) آنها اصلا حاضر نیستند چنین برنامهٔ را تحمل کنند! همان لحظهٔ افشار حاجی عمر شجاع را از مسأله آگاه ساخت و اخیرا الد کر بمن تلفونی گفت محفل رادر همانروز وساعت در جری بلاسم دایر میکنم.

باید یادآور شوم که از چهار هفته پیش (شجاعان) سالون مجلل شانرا برای روز ۱۱ سپتمبر جهت برگزاری محفل قورغ کرده بودند، اما چون سفارت خانه = فضیحت خانه + زدالت خانه دولت فاشیست عنی احمدزی فاقد این شهامت

عبدالودود ظفّری

المیدا — کالیفورنیا

کرزی و احمدزی!

کرزی مکارانه حکومت وحدت ملی را تخریب می کند
مجبب مشعل روزنامه نگار نیویارک تایمز باهمکاری متیو روزنبرگ از واشنگتن، جاوید سخور، فهیم حامد وزهره نادر از کابل، گزارش را باعنوان «کرزی درمیان بی نظمی، مصروف بازی قدرت میباشد.»در شمارهٔ عاگست ۲۰۱۶ آن روزنامه به نشر سپرده است. برگردان فارسی آن پس ازیک تبصره تقدیم می گردد.

کرزی واحمدزی باندک تفاوت، همفکر بوده دو روی یک پسه! می باشند و پا-لیسی یکسان را پیش میبرند، اما کرزی باچشیدن مزهٔ قدرت و ثروت، تلاش جدی راه انداخته تاباسقوط حکومت، جای احمدزی را بگیرد یادراتخابات آینده خود رابراریکهٔ قدرت برساند. چنانچه خود زمانی گفت: «حالا که قدرت را گرفته ام، ابلاش نمی کنم. !!!»
کرزی واحمدزی هردوقبیله پرست، خود محور، قوم محور، طالبخواه، فریکار، تمامیت خواه، حقه باز، زورگو، بکه تاز، بی باور به مشارکت و تقسیم قدرت، فراقانون وعهدشکن میباشند! (آنچه ح.. زادگان! همه دارند ایندو به تنهایی دارند) !!!

کرزی در ۱۴سال واحمدزی دردوسال کارخود، ثابت نمودند که هر دوخیالاف، هردوخاین وخاین پرور، بی اعتنا به تصامیم مجلس نمایندگان، فرمانبردار ونوکر آی اس آی بوده ومقرریهای بلنددولتی رابدستور حاکمان پاکستان انجام داده ومیدهند، عزت وغرورملی را پمال کردند. برای اثبات این رذایل مثالها وشواهد زنده وجوددارد، و اکثریت مردم ما آنرا میدانند، ولی بخاطر جلوگیری از درازشدن نوشته، اذکر آن ابا میوزم.

کرزی واحمدزی هر دو یکفایت اند وشایستهٔ زعامت نمیباشند، چنانچه مجلهٔ مشهور Economistچاپ لندن چندسال پیش، بعدازرسیدن کرزی به قدرت سؤال کرد «چگونه شخص ناشایستهٔ مانند کرزی به ریاست جمهوری رسید؟»
کرزی واحمدزی نه تنها خاین پرور وحامی فاسدان میباشند، خودغرق فساداند. قراردادهای بزرگ و پرمنفعت رابه اعضای خانواده، برادران، خویشاوندان ودوستان خود که خودشریک عوایدمیباشند، داده اند. این دوموجود درحذف مخالفان سیاسی وقومی به حبله و نیرنگ توسل میجویند، حتاسران جهاد ومقاومت را باقتل های زنجیره بی ازمیان برداشته میدان رابرای خودخالی کردند. کرزی ازیکسو میکشت واز سوی دیگر درمجالس فاتحه خوانی با سگواران اشک میریخت و خود را غمشریک وامی نمود!

هدف پای لسی !!!
۱۴سالهٔ کرزی وحالا پای لسی احمدزی، بازسازی افغانستان، شداقتصادی، تأمین امنیت، برقراری صلح و آرامی برای همهٔ مردم نیست، بهمین خاطر ملیاردها دالر درفساد، اختلاس، دزدی ودر رشوه ضایع وجور و چپاول شد وبه دردمردم نخورد. هدف آنهاصلح، امنیت وثباتی رامیخواهند که تسلط قبیلهٔ شان رانضمین بدارد. احمدزی به تبعیت از کرزی، تلاش گسترده بخرج داده ومیدهذ تازهر راه ممکن حاکمیت قبیله رابرتمام مردم کشورپهن سازدو آترابه تدریج نهدانیده گرداند. حمایت اظطالبان جانی وکنار آمدن باکلبدین قصاب مردم مظلوم کابل، بدون چون وچرا برای برجسته سازی تسلط قبیله می باشد. منظور ازجای دادن طالبان وحزب کلبدین اژهه پاشی دولت، تحکیم و گسترش پایگاه قبیلویست نه چیز دیگر.

کرزی واحمدزی وامثالهم برنامه داشتندودارند که برای ادامهٔ حاکمیت قبیله و حذف دیگران، باید طالبان وحزب کلبدین دردولت آورده شوند اماازین امر آگاهانه چشم میپوشند که طالبان پهرعنوانی که دقدرت شامل ساخته شوند، به غیر از نوکران آی اس آی درافغانستان، هیچکس بشمول پشتو نهایی که ملی می اندیشند وافغانستان راوطن همهٔ مردم آن میندازند، مصون بوده نمی توانسد. چنان تجیب الله هم بااعتمادبه فکر پشتونوالی، بیرحمانه بدستورحاکمان پاکستان توسط طالبان در روزاول تصرف کابل به دارا ویزان شد. اکنون بایداین امرمثل آفتاب به همه آشکارشده باشد که طالبان دارای ارادهٔ مستقل نیستند، همسان روبات در اختیار آی اس آی اند وقضای امور رااجرا مینمایند!

احمدزی با اعمال سیاست فرسایشی تعلل، بهانه، مذاکره و کمسیونبازی در اجرانکردن موادموافقتنامه، فقط بازی دادن جانب مقابل ومردم می باشدو نمیخواهد انحصار قدرت رالازدست بدهدو سه سال باقیمانده رابه همین منوال سپری میکند. عبدالله راش یک قدرت نمیسازد وسیستم ریاستی را که کرزی، خیلزاد وقبیله پرستان دیگر تجویز کرده اند، و قدرت رامتمرکز ساخته اند، رها نمی کند! کرزی، احمدزی وامثالشان باید بدانند که دوران خودسری واستبدادعبدالرحمانی ونادری گذشته که مردم راباحبس وقتل مجبوره اطاعت میسازند ونامهای بد ازخوددر تاریخ بجا گذاشتند. اکنون آن مردم مطیع وفرمانبردار گوسفندی که به اطاعت کور کورانه تن میدادند، وجودندارد. انسان امروزکشوربا آگاهی ازحقوق ووجایب ملی وشهروندی خود، مشت زورگویان وبرتری جوان رابامشت آهنین پاسخ میدهند. درآنصورت وطن تخریب شده به نابودی مطلق مواجه میگردد ونه پختون باقی میماند ونه غیرپختون!

لهذا باید از خر لجاجت پایان شده همهٔ مردم واقوام داخل قلمرو جغرافی میهن را مثل برادر وخواهر پذیرفت وبه حقوق همه رسماً وععلا حرمت قابل شدتایک فضای صلح ودوستی واقعی ایجادشود، همه درآرامی زندگی کرده بتوانند و کشور درراه پیشرفت قرارگیرد، برگردان گزارش تقدیم می شود:

حامد کرزی رئیس جمهورپیشین ومخالف فعال حکومت جانشین او، سیاست افغانستان رامسابقهٔ دوش (مره تان) میخواهد. درزمرة کسانی که کرزی هر روزملاقات میکند، دلالت قدرت، بزرگان اقوام، مامورین حکومت، رهبران دینی وهواخواهان خودش شامل اند که هوس سلهای رامیخورند که اودر قدرت را در اختیار داشت، واین میل خیلی واضحست که او هیچگاهی تلاش ومناور راترک نکرده نمی کند.

تقدان کرزی بوژه کسانی که درحلقهٔ نزدیک احمدزی اند، وبرامتهم می سازند که بافالیتهای جناحی، حکومت رایى ثابت میکندوا هر لحظهٔ بحران برای به قدرت رسیدن دوباره استفاده میدارد یاحداقل بخاطر کسب امتیاز تلاش میورزد. آنها به کرزی اتهام مینهند که بصورت فعال یک زعبم آسیب پذیر راتخریب می نماید واز طریق یک ستون بدیل، نفوذ سیاسی وحما یوی خودرا حفظ میکندو با فراهم آوری شرایط، هر کنه‌ای اعتراضی خیابانی راسبب می‌شود، که بعضی از آن ترس دارند که حرکت هابه خشونت بینجامد.

واکنش کرزی چیست؟ اوبصورت مطلق اتهامات را رد میکند که او تلاش دارد به حکومت زبان برساند. ولی باخنده های کنایه آمیز اشاره میکند «اگر کسانی وجوددارند که سریع حرکت مینمایند و کسانی دیگر قادر به رفتار سریع نیستند و عقب میمانند، نباید شکایت کنند!»
«بدارها، مذاکرات ومصاحبات او در برابر کمره بابدون کمره نشان می دهد که هنوز هم مانندیک آدم دراریکهٔ قدرت عمل میکند! بسیاری از مراجعین وساطت وسپارش کرزی رادراجرای کار هایشان در حکومت تقاضامیکند، اوهم باخرسندی تلففون رابر میدارد، باوزراء والیان و سفرا صحبت میکند، او هنوز هم بارسان کشورهای جهان تماس داردوبریشان هفته وار نامه میفرستد!

بیشتر فعالیت کرزی درحوالی چاشت روزصورت میگیرد و آن زمانست که جمعیت انبوه مردم برای ادای نماز پیشین درچمن اقامتگاه اوحضور می یابندو

انجنیر عبدالصبور فروزان

نیوجرسی

از مسعود (رح) باید آموخت

شهیدسعید احمدشاه مسعود رحمه الله علیه در آغاز جهادش در پنجشیر، متحدا ساختن مردم رادر یک حلقهٔ منسجم، وظیفهٔ اساسی خود قرار دادو یاد رک اینکه بدون اتحاد کاری نمیشود، بادرایت خاصی که داشت، مردم پنجشیر را که قبلاً به بالایی های بالا وبه پایینی های پایان تقسیم شده بودند، باهم متحدساخت وهمه رامتقاعد نمود که باهم یکجا کار نمایند وبرای حصول یک هدف که سقوط دولت کمونیستی بود مبارزه نمایند، وهمه رابا هم نزدیک وهمدست و همنظر ساخت، و این یکی از رمزهای بزرگ موفقیت آمرصاحب مسعود بود. در حالیکه درسایر نواحی کشور، دیگر قوماندانهای جهادی این ویژگی ومهارت مسعود را نداشتند و در مناطق شان قبایل همیشه علیه یکدیگر چه در داخل تنظیم جهادی وجه یک تنظیم باتنظیم رقیب در جنگ وستیز بودند، مثلاً نفر های گیلانی نفر های کلبدین ونفر های حقانی نفر های حضرت را خوش نداشتند، وقس علیهذا!

یکی از عادات شهیدمسعود قهرمان ملی (رح) این بود که کم حرف میزد و حرف زدن رابه دیگران میگذاشت وخودش بیشتر شنونده میبود. حتی در نخستین آوانی که مردم پنجشیر را آماده جهادمساخت، به مردم، بزرگان و علمای محل این وظیفه رامیسپرد وخود سرا پا گوش می بود، که این طرز عمل جدیدی در تاریخ مبارزات مبارزین بزرگ جهان است. معمولاً رهبران دهره کجاوزمان خود بیشترین سخنرانی را نموده وبیشتر مردم شنونده بوده اند! زبان مسعود برای تشریح اهدافش بسیار ساده ومردم فهم بود، مثلاً زمانی که کمونیستهابه پنجشیر حمله بردند، مولوی لطیف از بزرگان محل، بر برندهٔ دکانی استادو مردم را خطاب کرد که کمونیستها وطن مارا اشغال کرده اند و این فرض هریک شماس‌ت که سلاح برداشته در برابر آنان جنگگیرد. وافزود «چون بر کشور ما کمونیستها حمله کرده ومملکت مارا اشغال کرده اند، بیایید ما پنجشیری ها نقش خود را در نجات وطن برای اولین بار بازی نمایم.»
درین گرد همآیی آمر مسعود شنونده بود، اما این نطق مولوی به اندازهٔ بر مردم مؤثر واقع شده که آمرصاحب بعد امیکنگت در واقع این نطق هستهٔ جهادرادر پنجشیر گذاشت.

آمر مسعود در کمترین زمان از افشار مختلف مردم پنجشیر که اکثر طرز دیدهای متفاوت ازهذب بگرداشتندو هیچیک به فنون جنگ آشنایی نداشتند وسلاح ناکافی و ابتدایی داشتند، یک جبههٔ کاری ومتحد ساخت که در کمتر از یکماه پنجشیر را بکلی از کنترل دولت کمونیستی نجات بخشید وبعد متوجه نقاط دیگر کشور میشود وشاهراه سالنگ را که به منزلهٔ شاه‌رگ دولت کمونیستی وفرمانروایان کرملین بود، تحت ادارهٔ خود گرفت.
مميزات دیگر مسعود این بود که همیشه خود در پیشاپیش جبههٔ جنگ بودوشانه به شانهٔ دیگر مجاهدین میچنگید، زندگی ساده، لباس ساده چون مجاهدانش داشت وغذاایش همانند غذای آنان بود، این صفات پسندیده درسایر رهبران جهادهر گردیده نشده است، او از خود مال ومثالی بجهانمند که مایهٔ تعجب همزمانش شده است.

مسعود در ظرف کمتر از سه ماه ازابان گشتش از نورستان، به یکی از پرنفوذ ترین قوماندانهای جهاد کشور تبدیل شدو بادیست گرفتن ادارهٔ سالنگهار لوزه به کاخ کرملین انداخت ویرژنف دستپاچه شده وز بردفاعش را هدایت داد هر چه زودتر اقدام جدی نمایدیوری سیاسیش فیصله کرد تا تغییرات جدی در ساختار دولتی افغانستان بیاورند. جنرال Aleksei Yepiskevرا که یکی از بزرگستان نظامی شوروی وقاچ اشغال چکوسلواکیا در سال ۱۹۶۶ بود، بکابل فرستادند، اواسلم وطناجر راز وزارت دفاع بر طرف ساخته وبجایش حقیظ الله امین رانصب کردو بعد مسؤولیت سر قوماندانی اعلی اردو را هم به او تفویض نمود. به تعقیب آمدن آن جنرال بکابل، قوای عملیات خاص شوروی که یک فرقهٔ خیلی ورزیده و کوماندویی باتعلیمات عالی عسکری وواسط خاص و پیشرفته ترین بود، در میدان هوایی بگرام آورده شد وظیفهٔ آن بوژه تصفیهٔ پنجشیر و ازین بردن مسعود بود.

با این تغییرات، شوروی توانست فشار شدیدی بر نیروهای مسعود که همه مردم ملکی محل وقاقد تجربهٔ نظامی وحتى فاقد تربیهٔ ابتدایی نظامی بودند، آورد، در اولین برخورد تقوی نظامی خود راتاثت کردند. مسعود در ناحیهٔ کوه سرخ جبل السراج زخمی شد وباین واقعه همه آتهاییکه باشور وشعف ولسوالی رادر پنجشیر تصرف وبه دهنهٔ گلهار رسیده بودند، روحیات خود راباختندو مقاومت نتوانستند، سرانجام مسعود با همهٔ قوایش شکست خورد و کومنیستهای روس توانستند پنجشیر را تسخیر کنند. مسعود با چند مجاهدش به دشت ریوت در قسمت بالای پنجشیر عقب زده شدو تعدادی از پنجشیریان که با دولت ارتباط داشتند، در صدد شدند تا او را دستگیر وتسلیم دولت کنند. تنهامردم قسمت بالای پنجشیر با مسعود ماندند و آنهام باتوانایی ناچیز. چون این وضعیت رامسعود دید، وفاداران خود راجمع نموده گفت «اگر شما حاضرید بر ایم فرج جنگی بدهید، من یک جنگ چریکی را آغاز میکنم، در غیر آن ماجیزی کرده نمیتوانیم. یک گروه کوچک تربیت یافته بادسلین بهتر از یک لشکر بزرگ میباشد. من قبول میکنم که در گذشته اشتباه کرده بودم.»

مسعود سالها بعد در جون ۱۹۹۴ گفت: «تمام فعالیتهای و پیروزیهاییکه بعد چه در پنجشیر وجه در شمال کشور بدست آمد، نتیجهٔ افکاری بود که پس از شکستهای بیایی بوجود آمد. ما تصمیم گرفتیم تا یک تعداد مردم فدایی ومصمم راییابیم که تهدد کنند تا افغانستان آزادشده، هیچگاه سلاح بر زمین نیبگذارند، و وعده دهند از جان ومال خود درین راه دریغ نمیکند. گفتیم مردمی را که من میخواهم باید جوان، مجرد واز نگاه جسمی ودماغی سالم باشند. من به افراد فداکاری ضرورت دارم که تهدد بدارند اوامر مرا اجرا مینمایند وباید قبول کنند که اگر من آنها در آتش بیندازم یاد دریا، یاد شکم شان بمب بیندم و امر کنم در زیر یک تانک دراز بکشی، بدون چون وچرا بکنند.»(مسعود پس ازین گفتارافزود: اگر شما نمیتوانید اینطور افراد را تهیه کنید، من خانواده ام را گرفته به نورستان میروم. وقتی این گپ رازدم، دیدم که همهٔ شان ورا خطا شده، تنویش سرا پای شان اگر فت، هیچ کس چیزی نگفت وبکروز بعد حاجی قیس آمد و گفت: «بایدگر کالاهای وریش سفیدان گپ زدیم، دیده شود چه میشود، تو که نباشی مشکل است و کمونیستها زودترین فرصت اینجا می‌رسند.» یکی دوروز بعد بزرگان قریه های دور وپیش آمدند و حلود شصت هفتاد نفر از بچه های خود را به من تسلیم کردند.

آمر صاحب برای اینکه بداند ازین بچه ها چند نفر واقعا حاضر به فدا کردن جان و مال خود هستند، جلسهٔ دیگر با این جوانان ترتیب دادو آنرا جلسهٔ تعهدات فداییان نام گذاشت. مسعود هر کاندید را علیحده علیحده خواست، دویه دوباو نشست و پرسید: «اگر همین حالا امر کنم که پای لچ بالای برها از همینجا به بدخشان برو، امرم را قبول میکنی؟ اگر امر کنم دست را زیر تانک بگذار، امرم را قبول میکنی؟ اگر امر کنم بمب دستی رادر دست منفجر کو، میکنی؟ مسعود گفت: «از دهاتان که برای مذاکره حاضر شده بودند، پس ازین پرسشها فقط ۱۲ یا ۱۱ نفر آن تعهدات را پذیرفتند، ومن کار را با همین دوازده آغاز کردم و مرکز تربیه چاه آهو راتعین کردم و البته تعداد فداییان بعداً زیادت‌ر شد، اما موفقیت و پیروزی ما در برابر قشون سرخ با همین فداییان و از همین چاه آهو

گزارش فشرده از محفل یازدهمین سال هفته شهید وشهادت قهرمان ملی، شهید سعید

آمر صاحب احمدشاه مسعود (رحمت الهی شامل حاش باد!)

در آگهی مربوطه به هم میهنان ارجمند اطلاع داده شد که محفل ساعت چهار د یگرو روز ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۶ برابر با ۲۷ سنبلهٔ ۱۳۹۵ آغاز میشود، اما طبق عادات ماضیهٔ سبیه، از ۴/۳۰ یکان یکان آمده رفتند وباحضور صد وچند نفر، مجلس باتلاوت آیات کلام الله مجید توسط فضیلت‌مآب حاجی محمدا کبر شیرزاد، مجاهد جبهات پیروز مندما نور باران گردید، محمد قوی کوشان، گردانندهٔ محفل عرایضش را به حضار تقدیم نمود- متن آن در همین شماره درج است - نخستین سخنران جلال‌مآب پروفیسر داکتر سید محم‌دوم رهین، رئیس دانشگاه سویس در کابل وسابق وزیر باتدبیر اطلاعات وفرهنگ بودند، بیانات شان بر آگاهی حضار افزود. جناب مجاهد نامدار الحاج امان الملک جلاله باباجان، نثر ونظم شان را به فارسی و پشتو تقدیم داشتند و مورد توجه واستقبال حضار قرار گرفت.

انجنیر گرامی ودانشمند جناب عبدالصبور فروزان، استاد فعلی دریکی از یونیورستی های ایالت نیوجرسی، وازیاران وفادار آمرصاحب شهید (رح)، از خاطرات شان با آمرصاحب داستانهای لطیف وظریفی بیان کردند وحضار را مستفید ساختند. دوشیزه ماریا پویل واعطی از فالان فرهنگی افغانستانی درورجینیا، سرودهٔ خویش رادر رثای آمر صاحب و سرودهٔ مادر دانشمندش بانوحفیظه واعطی پویل رابه زیبایی دکلمه نمود که در رثای آمر شهید گفته شده بود، هردو سروده را حضار با کف زندهای پیهم بدرقه کردند. آقای سیدشفیع عیار برنامه ساز محبوب تلویزیون (راه ابریشم) لختی اندر باب سجبای پسندیده وخصایل خجستهٔ آمر شهید فرمود وبر اوضاع جاری میهن اندیشمندانه و آگاهانه روشنی انداخت، سپس جناب انجنیر رضا افشار، مردخبر و نکو کار جامعهٔ ما درورجینیا، که یتیم خانهٔ بسیار مهجری را دوازده سال پیش در کابل بنهاده و جمعی از مستحق ترین یوگان و یتیمان را سرپرستی نموده، مکتب آن نهاد لایقترین دانشجویان رابه دانشگاههای دولتی و خصوصی معرفی کرده است، دربارهٔ نکویی های آمر شهید و دوست محبوبش شادروان قوماندان سیدحسین انوری یادآورشده، وحضار محفل از سخنان شان صمیمانه استقبال کرد.دند. خانم الهه احرار مطلبی به نثر وقطعهٔ منظوم را در رثای شهدای نامدار وگنمان راه صیانت آزادی، عزت واستقلال میهن، با سلاست کلام قرأت کرد وحضار با علاقهٔ فراوان به آن گوش دادند.

جناب امام مسجدابوبکر صدیق (رض) در شهر فلشنگ نیویارک الحاج محمد اکبر شیرزاد، شرحی دربارهٔ مقام شامخ و رفیع شهید نزد خالق، یکتا فرمود، از سجبای اسلامی وملی قهرمان ملی، وشهبدر اه صلح استاد برهان الدین ربانی وسایر بندگان صالح خدا که خلعت شهادت را شادمانه بر تن کردند، تاشرف وآزادی درسرمین پاک خراسان زمین جاودانه شود، با نکویی تمام یاد کردند. حوالی ساعت هفت شام، دوست ارجمندم محمد عمر غفورزی مرا آگاه ساخت از تشریف آوری مجاهد نامور وفرزند صالح میهن، جناب امرالله صالح به محفل. با داخل شدن جناب صالح به سالون، بیشتر بنهٔ حضار برای ابراز محبت به ایشان و قدردانی از حضورشان در محفل، به پا ایستادند. گرچه شخصیت فخیم آقای صالح، رئیس عمومی سابق امنیت ملی راهمگان باتکویی تمام میشناسند، اما گردانندهٔ محفل یادآورشده که این همان بزرگمردی است، که جنرال مشرف فاقد شرف، در حضور شرف باختهٔ دیگر مشتهر به حامد کرزی، او را مورد توهین وتحقیر قرار دادو به کرزی دستور وهدایت داد تا این پنجشیری دشمن پاکستان (جناب امرالله صالح) در کرسی ریاست امنیت افغانستان نشسته، مردم تان روی سلامت و شادی را نخواهند دید (گویا پس از استغای دلبرانهٔ صالح، مردم مادبگر شاهد انفجار و انتحار وقتل و کشتار نیستند!!!!) و کرزی نوکرانگریز و آی اس آی، یک کلمه که مناصفهٔ آن میشود نیم کلمه، در جانب داری از ریس عمومی امنیت کشورش نگفت زیرا جرأت اینکار رادر برابر سر کارش نداشت!

گفتار شریفانه وصادقانهٔ جناب صالح راحضار بادقتی بی نظیر شنیدند و از معلومات ایشان دربارهٔ آمرصاحب شهید قهرمان ملی احمدشاه مسعود وجریانات مذاکرات با نمایندگان طالبان در عشق آباد وشهر ژنو سویس، بهرهٔ فراوان بردند.

مرد محاسن سید وخیر خواه ما جناب الحاج صاحب الدین زلال هروی، شاعر نام آشنای بسیاری از افغانستانی های داخل وخارج، مرثیهٔ پر محتوا وپرسوزش را در رثای قهرمان ملی خواندو اسباب استقبال شایستهٔ حضار را از سروده اش فراهم آورد.

جوان برومند داریوش کبیر مطالبی جالب بیان کرد وجوان برومند دیگر مسعود جان، سروده ونثر روانش را به حضار تقدیم کرد وبه روان پاک قهرمان ملی شهید سعید مسعود درود فرستاد.

پایان بخش این محفل شکوهمند، آوازملکوتی فضیلت‌مآب امام شیرزاد باقرأت آیات الهی ودعاییهٔ پرسوز وگداز بود، که بایان تکبیر از سوی حضار بدرقه شد.

بایسته است گزارش دهم اکثر سخنرانان گرامی به همهٔ قوماندانان ارشد جهاد مقدس ومقاومت ملی مردم ما ارج گذاشتند، از شهید عبدالقدیر، شهید عبدالحق، شهید ذبیح الله، شهیدمولوی شفیع الله، شهید سیدجگن، استاد عبدالصبور فرید و دیگر شهدا باتکریم واحترام یاد کردند.

پس از ادای نماز، حضار، که شمارشان حالا افزون بردوصد ویست نفر بود نان شب را که مدیران چری بلاسم بنکویت هال آقایان حاجی محمد عمر شجاع، ناصر شجاع وشیر شجاع و سرآشپزلاقین ومطبوخانی سابقه دار آقای محمود محبوب از کپسهٔ سخاوت شان تهیه کرده بودند، نوش جان نمودند، ومحفل حلود ساعت نه شب پایان یافت. گزارش دهنده: خاک محم豆腐ی کوشان/

درد ودعا تحفه تقدیم میکنم، وبه آن فداییان نامدار و منجی خراسان زمین، مثل فرمانده دلیر محمد گدا، که لله الحمد حیات دارند و عمر مبارک شان درازتر باد، طلب سعادت دارین دارم. درود خداوند یکا بر همهٔ شان باد!/

باز هم در قدرت باشم!
«آن بیان کافی بود که سر آغاز بجهای شادی آفرین شود وقصه های دوران کارکرزی گفته شودوبی اعتمادی مردم از حکومت کنونی هویدا گردد. یکی از وزرای سابق که در حکومت احمدزی سمت مشاورت دارد، باتاکید گفت یگانه بدیل طبیعی وامید بزرگ برای نود درصد مردم که از کار کرد حکومت فعلی ناراض اند، میباش! کرزی که بدقت گوش داده بود، نیش دیگر زد، چنان معلوم شد که او منتظر سؤالی بود که از قبل در ذهنش وجود داشت. اگر کرزی بازنگردد، چه واقع میشود؟ حکومت در لبهٔ پرتگاه قرار دارد، مامورین افغانی وغربی در مباحثات خصوصی نگرانی نشان میدهند که شاید حکومت احمدزی به بحران هستی حتا در ماه آینده دچار شود. اخیر ماه سپتمبر ضرب الاجل میباش که حکومت تعهدات سیاسی خود را

عبدالکبير و طندار
خاطره ويادی از شهيد راه صلح استادريانی



چهره نورانی و مبارک شهید سعید استاد برهان الدین ربانی رهبر نامدار و نستوه جهاد مقدس و مقاومت ملی در برابر سبهاکاران سبیه و سرخ از شمال و جنوب میهن مظلوم مان روان پاکش را خداوند غفار و رحمان شاد و خوشنود بدارد . آیین استادبرهان الدین ربانی درسال ۲۰۰۴نظر به دعوت وزیرداخلهٔ اسبق عربستان امیرنایف بن عبدالعزيز،جهت اشتراک درکنفرانس علمای اسلامی به شهرمکه تشریف آورده بود، برایم فرصت مناسبی بود تا با استاد دیدارنمایم. در دروازه ورودی حرم شریف باب ملک عبد العزیز، منتظر استادبودم. ایشان پس از ادای مناسک عمره یکجابا آقای حضرت شاه فرخاری که درآنزمان دبلومات درجنرال قونسلگری افغانستان مقیم جده بود، ازحرم برون شدند. استاد خیلی خسته بنظر میرسید، زیرا ادای مناسک عمره، طواف خانه کعبه وسعی صفا ومروه برای جوانانی مانند ما سخت و طاقت فرساست چه رسد به مردی به سن سال استاد. با مشاهده چهره خسته شان از آقای فرخاری خواستم که باجناب استاد انتظار بمانند تا موتر را نزدیک حرم پیاورم و استاد را به سلمانی ببریم. استاد پرسیدند سلمانی ازینجا چقدردور است؟ گفتم تقریباً ۵۰ متر، استاد بامهربانی گفتند فرقی نمیکند تا آنجا پیاده میرویم. به ایشان گفتم استاد محترم شماخسته اید وهوا هم بسیار گرم. باتسم ومهربانی که صفت همیشگی شان بود گفتند خیراست انشالله که اجر وپاداش بیشتر نصیب مان میشود.

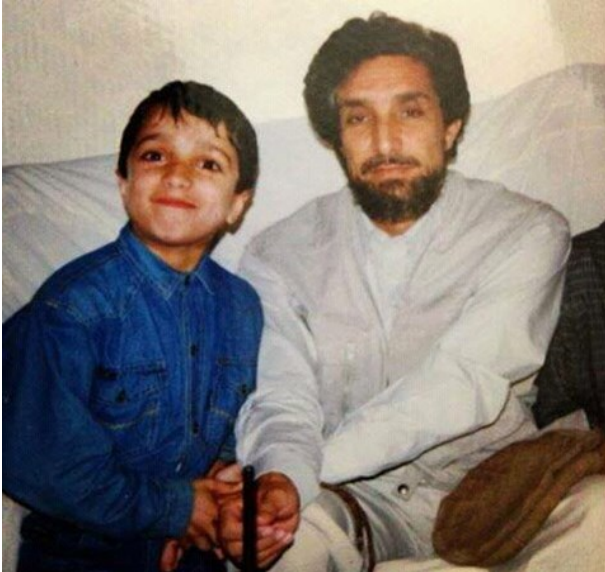
سرانجام در رکاب این خردمند متدین وشخصیت باهمت، من و دوستم فرخاری روان شدیم. دیدم که ایشان باتمام خستگیهای سفروادای مناسک عمره، استوارتر ازماقدیم برمیدارندو راست ومتین حرکت می کنند، باجناب متانت، بردباری ومردانگی که گویی سفری نداشته واز جای راحتی به اینجارسیده است. مردی که غرورش متکبران عصررا ملزم به سرخمی دربرابراراده ملت کردو بارهبری خردمندانه اش قهرمانانی رادر گوشه و کنار آن سرزمین پرورانیودرمیدان سیاست و رزم باقامت رسا ودیدباز وتصمیمگیری خردمندانه برنده بود، اند کترین غرورو تکبردرسیمای نرم و چهره بشاش دیده نمیشد. غرق در تفکر شدم، احساس میکردم رهبرم درهمان زمان نیز به وطن و مردمش می اندیشید. باشاهده این مرداستوار وشيخ میدان معر که ها، ایام جهاد و مقاومت درظرم تجسم یافت وخیالم را به دوردستهای سرزمینم وبه سالیان گذشته ودوران مبارزه و جهاد کشاند که باسرازان دلیر وحامیان عزت وشرف مردم وسرزمینم، با قهرمان ملی کشور وقهرمانان دیگر معارک ، درقله های شامخ هندوکش چسان ایستادند ومردانه ازحرم کشور وارزشهای مادی ومعنوی این مرزوبوم حراست و پاسبانی کردند.

پس ازدقایقی رسیدیم به سلمانی موردنظر، برایشان گفتم استاد این یک سلمانی معمولست اگر اجازه تان باشد، کمی دورتر ازحرم شریف برویم آنجا سلمانیهای خوب وقشگی اند. بانگاه مهرورزانهٔ شان نگاهی کردندودستان مبارک شانرا به شانه ما گذاشته درچوکی همین سلمانی کوچک ومعمولی نشستند و گفتندهمینجابهتر است بچه هایم! به تواضع و فروتنی این مردمتین وتاریخ ساز، رئیس جمهور اسبق کشور و رهبر جهاد ومقاومت مردم سرزمینم متعجب شدم. زیرا هرروزمیدیدم ومی شنیدم ودروسانه هامیخواندم که سران کشورها، رهبران سیاسی، وزرای کابینه وحتی برخی والیان ومعاونین آنان سلمان، آرایشگر ودیزاینر لباس وسروصورت شخصی شانرا دارند ولی این مرد قدرتمند با تواضع این چنینی زندگی میکند. تواضع، فروتنی و ایماندار ی رهبر عزیز را به چشم سرمشاهده کردم. فهمیدم که هرچه در مورداین مردهدفمند و رهبر فرزانه گفته اند وازعادات نیکو، ذرايت وشجاعت، مردمدلاری، تواضع بزرگی وی نگاشته اند بجاست و برایش صدق میکند وحتی برای شناخت شخصیت ایشان این گفته ونبشته ها بسنده نیست. به این حقیقت پی بردم که استادشهید بزرگراز آنست که ما در موردش شنیده وخوانده ایم.

دا کتر چنگیز پهلوان، دانشمند ومورخ معاصر ایرانی درباره استادشهید نوشت: «استاد ربانی که زمانی استاد الهیات دانشگاه کابل بود، مردیست دیندار، متقی و پرهیزگار. هوادارانش نه تنها بیعت ریس دولت که به صفت یک رهبر مذهبی به اوا احترام میگذارند. اونمونهٔ یک رهبر اسلامی معتدل ومدرن است واگر این روبادادهای ناگوار را براو تحمیل نمیکردند، بی تردید میتوانست در منطقه وحتی جهان اسلام جذایت های انکار ناپذیر داشته باشد و چهرهٔ تازه ازاسلام را به جهانیان عرضه کند.استاد ربانی به معارف اسلامی تسلط دارد ودر مقام وموقیعتی است که کسی دیگر در آنجامیتواند از نظر دینی براو پیشی بگیرد.» گذشت، تسامح و فروتنی که شیوهٔ یک انسان مؤمن وبا همت میباشد، در وجود استادفقید تجلی داشته است که نویسنده مذکور راشیفته و ارادتمند بزرگمرد تاریخ معاصر سرزمین مان ساخته است.

آقای پهلوان درادامه نگاشته: «استاد ربانی در برابر مخالفان خود همواره سیاست نرم و مسالمت آمیز درپیش گرفته و هرگز در پی انتقام جویی بر نیامده است. چنانچه، بسیاری کسانیکه در گذشته بدترین رفتارها را با استاد داشتند، از جانب این مرد بزرگوار با برخورد نیک مورد پذیرایی قرار گرفتند، بی آنکه گذشتهٔ شانرا به یاد آنان بیاورد. همین رفتار انسانی در زمان جهاد و در دوران پیروزی موجب شد که حتی مخالفانش در کناراستاد بیشتراحساس امنیت وآرامش داشته باشند. اگر بخواهم خصوصیات وصفات این شخصیت استثنایی در تاریخ افغانستان رابر شمارم ، فرصتی دیگر و مجال کافی لازم دارد. در اینجا فقط به ذکر این نقطه بسنده میکنم که به نظر من در تاریخ دوصدساله اخیر افغانستان هیچ رهبری را سراغ نداریم که دارای چنین صفات برجسته و بارزی در این کشور بوده باشد. مردم و گروههای سیاسی افغانستان اگر قدر این موهبت راندانند، بی تردید زبانهای بسیار رامتمحل خواهندشد. کسانیکه میخواهند گناه در گیرهای داخلی راه بردن او بیندازند، راهی ناصواب می پیمایند. لحظه ای تردید نمیکم که او مظلوم است و سزاوار این همه دشنامها و تهمت ها نمی باشد.»

مصاحبهٔ احمد مسعود. فرزند قهرمان ملی احمد مسعود: باید باشیم تا پلی شویم بین گذشته و آینده در پیدا کردن منزل احمد مسعود، فرزند احمدشاه مسعود، فرمانده فقید مجاهدین اندکی سرگردان شدیم. او از خود در کابل خانه ندارد و در منزل پدر بزرگش اقامت می کند.



قهرمان ملی شهید سعید احمدشاه مسعود (رح) با تنها پسرش احمد مسعود در مقایسه بافرزندان بسیاری از رهبران سیاسی ومجاهدین افغانستانی که پشت دیوارهای بتونی شدیدامحافظت شده ودر حلقهٔ نگهبانان یشمار تابه زندان مسلح زندگی میکنند،احمدزندگی عادی دارد.هیچ مسلحی از اقامتگاه در پشت درخانه اش محافظت نمیکند، هر چند چندایدیگاردشخصی دارد. همین نبود دیوارهای امنیتی، پاسگاه پلیس یاحضور سنگین شبه نظامی خانه احمدرا از چشمان مآنهان کرده بود. بعد از چند دور در کوچه‌های بی آدرس کابل سرانجام به خانه‌یکه پشت دیوارهای بلند چنار پنهان شده بود رسیدم ویکی از ساکنان خانه مرا به اتاق انتظار راهنمایی کرد.

من پدر احمد را هرگز ندیده ام ونخستین بار بود که خود اورا میدیدم. دقایقی طول نکشید که تندو جابک از طبقه دوم پایین شدو باحرارت مراهبه آغوش کشیدو گفت کارهایم راندیان میکند. احمد مسعود برغم تلاشهای یاران پدرش، تابه امروز وارد کارزارهای سیاسی نشده ودر دولت نقش نگرفته است. او گرچه در انتخابات گذشته پیامی در پشتیبانی از عبدالله، رئیس اجرایی دولت داد، اما بعدا فاصله گرفت و وارد دولت نشد؛ در عوض به ادامه تحصیل مشغول شد. مکتب رادایران تمام کرد ودر دانشگاه کینگز کالج لندن مطالعات جنگ خواند وفوق لیسانس خود رادر دانشگاه سیتی لندن در رشته روابط بین الملل دارد.تمام میکند. فارسی شیرین حرف میزندوانگلیسی راشیرینتر بلد است. اومی گوید شیفته فربک و علم نجوم بود. درباره کهکشان ها و ستاره ها کنجاکو و دلبسته رمز و راز سیاه چال ها بود، اما جرعهٔ در ذهنش خورد که مسیر زندگیش را تغییر داد. احمد مسعود گفت: «شیی که فردایش روز پذیرش دانشگاه بود، یک دوست که هر جا که هست خداوند او را صحیح و سلامت داشته باشد، به نام ضیاء آمد پیشم. بسیار با صفا و صمیمت و سادگی گفت که احمد جان می فهمی که ما از خودت بسیار انتظار ها داریم. اما فکر می کنی می توانی مشکل افغانستان را در سیاره های دیگر پیدا کنی ؟ من همین قسم ماندم ؛ یعنی سوالی بود که به هیچ عنوان نه انتظارش را داشتم و نه جواش را.»

پدر احمد مخالفان و موافقان سر سخت دارد. مصوبه پارلمان افغانستان پدرش را «قهرمان ملی» افغانستان می داند به دلیل مقاومت در برابر نیرو های ارتش سرخ شوروی و طالبان . اما گروهایی هستند که مسئولیت اصلی جنگ داخلی و ویرانی کابل در دهه ۹۰ میلادی را پای مسعود می نویسند. این است که بار سیاسی میراث پدر بر شانه های پسر گذاشته شده است ؛ بویژه که باران پدر چه بیرون قدرت و چه درون قدرت سعی دارند احمد مسعود را بطرف خود جلب کنند. اما دیدگاه احمد به نظر می رسد از همه آن ها متفاوت است. او دارد پا جای پای پدر می گذارد. از او پرسیدم آماده شده که نقش فعالی در دولت بگیرد؟ وزیر یا وکیل شود ؟ یا در انتخابات شرکت کند ؟ با صراحت گفت معیار رای مردم است و اگر مردم بخواهد چرا که نه . افزود : «در افغانستان نسلی باید باشیم که پل شویم بین گذشته و آینده و ما هانای باشیم که افغانستان بالاخره از سرش عبور می کند و به آینده روشنی می رسد . ما باید همان پل باشیم .»

گذشته افغانستان تیره و تار است. پدر احمد متهم است که یک طرف اصلی جنگ برای تصاحب قدرت بوده است . برخی او را به زیاده خواهی و یکه تازی متهم می کنند . به احمد روایتی از کتاب فر ستاده زلمی خیلزاد را گفتم که او از محمد قسیم فهم قتل قول می کند که گفتگوی دوستانه با احمد شاه مسعود داشته و آقای مسعود از آقای فهم پرسیده چرا افغانستان آرام نی شود. فهم در پاسخ گفت سعی کرده بود از جواب طفره برود . اما مسعود دو باره اصرار کرد و فهم پاسخ داد: «چون تو می خواهی فرد شماره یک مملکت شوی. تاجیک ها این را قبول می کنند، هزاره ها و ازبیک ها هم شاید بپذیرند. اما پذیرش این امر برای پشتون ها دشوار است و شما حاضر نیستید فرد شماره دوم افغانستان شوید .»

احمد که از اول تا آخر گفتگویم با او ، با جدیت از کارنامه پدرش دفاع می کرد ، گفت : «در صحت و سقم این قضیه شک دارم . بالاخره آقای خیلزاد یک سیاستمدار است ، و خیلی وقت ها می تواند هر چه دل شان بخواهد بگوید . من در صحت و سقم این مساله کاملا شک دارم. وقتی که جهاد تمام می شود ، چرا داستان ها در کابل اتفاق می افتد . قهرمان ملی، احمد شاه مسعود به هیچ عنوان این آمادگی را نداشت که دیگر وارد سیاست و وارد جریانات باشد بعد از پیروزی جهاد. تمام فکر شان این بود که شورای پشاور برنامه دارد، این ها یک چیزی را آماده کرده اند، رهبران با خود شان به یک نتیجه رسیده اند که وقتی کابل گرفته می شود ، خود رهبران می آیند یک چیزی را آماده ساخته اند و این ها را پیش می برند . من می روم دانشگاه خود را ادامه می دهم و بعد استاد دانشگاه می شوم و تجارت و کار خود را پیش می برم . از این کار ها خود را می کشم .»

احمد شاه مسعود درست دو روز پیش از حملات یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ در افغانستان ترور شد . طالبان که بخش اعظم کشور را در کنترل داشتند ، در ضد حمله امریکا برای محاکمه عاملان حملات یازدهم سپتمبر تاب نیاورند و از میان رفتند . باران آقای مسعود دوباره در کابل بر سر اقتدار شدند. اما فرمانده رهبر آن ها دیگر وجود نداشت .

کنجاکو شدم از احمد بیرسم اگر مسعود می بود ، تحولات چه مسیری را پی می گرفت ؟ او پاسخ داد : «من فکر می کنم که به هیچ عنوان قبول نمی کرد

داکتر عنایت الله شهرانی

بلو منگتن — اند یانا

پروفسیر راعی برلاس به رحمت حق پیوست
برلب جوی نشین و گذر عمر بیین کاین اشارت ز جهان گذران مارا بس (حافظ)
استادراعی برلاس از برجسته ترین دانشمندان ونوسندهٔ کم نظیر افغانستان، که عمر گرامی اش رادر تدریس ونویسندگی سپری نموده بود، در شهر استامبول ترکیه داعی اجل را لبیک گفت.
اتالله واناالله راجعون

پروفسیردا کترقیام الدین راعی برلاس، در تاشقرغان، در یک خانوادهٔ منور ونامدار چشم به جهان گشود، پدرش مرحوم مخدوم محمداسماعیل سناتورولایت بلخ ویرادرش روانشاد حمیدالله خان برلاس که صاحب منصب عسکری بود، شاعرسبک هند وازیروان ابوالمعانی یدیل، که پنج جلد دربارهٔ سبک، تفسیر اشعار و تقدیدیل تألیف نموده، میباشند. استادراعی تحصیلات ابتداییه در زادگاه، عالی رادر مکاتب ابن سینا و دارالمعلمین کابل وفاکولتهٔ ادبیات

دانشگاه کابل وبعد درچین

و ترکیه به اتمام رسانیده است.

پروفسیرراعی در آغاز کاربا

شادروان پروفسیرمیاحسن

مجددی اسستانت

وهردو کتانی رادریدیل شناس

تألیف وبه چاپ رساندند.

افزون بر آن استاد برلاس

سالمهای زیادی منحیث

مدیرمسؤول مجله ادب

کار کرد که در زمان سردیری

وی مجلهٔ ادب به اوج شهرت

رسیده بود. استاد درچندین

مجله منحیث هیأت تحریر

بوده وخودنیز شخصا موسس

جریدهٔ «جهش» که

درجرمنی آتریه مدیریت

جناب داکترعبدالله رحیمی به

تشرمیرسانید، بودند.

استاد راعی برلاس سالها زیادی در یونیورستی استامبول منحت پروفسیر بلندپایه، وظیفهٔ تدریس و آمریت شعبهٔ ادبیات رایش میبرد، به سبب اینکه استاد دانشمندعالیمقام ووزنهای مختلف ازجمله زبان چینی را می دانست، چندین سال سفیر کبیرافغانستان درچین ایفای وظیفه نمود. اگر چه استاد زبانهای فارسی، پشتو، انگلیسی وجپنی رابخوبی میدانست، اما نه تنها به زبان تورکی اوزبیکی به حداعلی وارد بود، بلکه تورکی استامبولی وجنبدین لهجهٔ تورکی دیگررا میدانست، ودر ترکیه به زبان تورکی تدریس مینمود، ودرحقیقت یک تورکولوگ متبحر ومحقق بی همتا بود، اگر کسی درصحبت وی حصه میکردت، میدانست که در مجلس اوچقدر کانیهارا یکی پی دیگر بامتون شان شرح وبسط میداد.

در تاریخ وادبیات، استادراعی آیتی بود، به قواعدزبان بخوبی میدانست و به شاگردانش طرز تحقیق وبزوهش رابصورت جدی تدریس میکرد وازسرقّت ادبی وتحقیقات بی منابع برحذر میداشت. بسی از علما و دانشمندان افغانستان ازدوستان وآشنایان استادبرلاس بودند، که یکی از آنهاپروفسیردا کترعبدالقیوم قویم بود، وقیم دارم ازمرگ ناپهنگام استاد برلاس سخت متأثرشده باشد. استادبرلاس صدهامقاله نوشته وده ها کتاب تألیف نموده است که درین مختصر ذکر آنهامشکل میباشد.

رافم این سطورزمانیکه متعلم صفن هشت بودم، وی ازصنف دوازده دارالمعلمین کابل منحیث معلم درصنف ماتشریف می آورد، همه استادان میگفتند که درهرساحه ازوی میتوانید سوال کنید چونکه مطالعات آفاقی وخارجی واندوخته های علمی زیاددارد. پس ازینکه دربزرگسالی باوی آشنایی نزدیک حاصل گردید، درهرصحبت و مجلس ازاو چیزهایی می آموختم. پروفسیردا کترقیام الدین راعی برلاس یک معلم توانا ودانا، یک دانشمند فرهیخته، یک فرهنگی و ادب عالیمقام، مرد باوجاهت، جدی، مصمم وداری شمایل خاصی بود. وی هنوزبه سن هشتادترسیده بود که خداوند(ج) ویراجاب خلدبرین خواست.

تاجاییکه خبرشدیم، محافل سوگواری درشهراستامبول ونیزدر اروپا برگزارشد. درین دوماه اخیردمردبزرگ که علمای برجسته کشور بودند، داکتراکرم عثمان ودا کترراعی برلاس ازمیان مهاجرین به دیار عدم شتافتند وجایگاه شانراخالی گذاشتند. بدا یحال سیاستمداران پلیدو بی همت وغیرت که ازدست شان ملیونهاهموطن، بی نام ونشان، در سراسردنیا درحال آوارگی مردند وملیونهامنتظر سفرهای خوداندتا (آ یا کی کند)برشان و کی دوزد کفن شان)! ؟

به حضوردوستان وشناساهای جنت مکان پروفسیر راعی برلاس چون پروفسیرسم الله خان میمنگی، پروفسیردا کترسیدعبدالحکیم جوزجانی، داکترهمت فاریابی، جنابان غلام سخی سخا، اکبراندخوبی، داکترعبدالله رحیمی، محمدایوب ساعی، انجنیرمحمدرحیم عابدی، محمدایوب عرفانی، داکترقمرالدین مصلح، حاجی محمدسعیدجان، انجنیررحمت الله خان عظیمی، جنرال سراج الدین خان قینتمش، عثمان بیلم، محمودی، آسیابان، علی جان فیضی، عبدالرسول وثیقی، پروفسیردا کترمحمدظیف شهرانی، استادبرهان الدین نامق، داکترسراج الدین رسولی،پروفسیر رسول رهین، استادعبدالقیوم ملکزاد، محمداسحق ثنا، داکترفیض الله ایماق، استادفخرالدین مصلح، پروفسیردا کترعبدالمنان تاشقین، استاد عبدالحلیم یارقین،استادان فاکولتهٔ ادبیات، استادان دانشگاه استامبول و تمام شاگردان وبازماندگان عرض تسلیت میرسانم وبدربار خداوند دعا میکنم که استادعالیمقام خلدآشیان پروفسیردا کترقیام الدین راعی برلاس راخلدبرین جا دهد. آمین

یادداشت: اداره وهمکاران قلمی هفته نامهٔ امیدوفات شادروان پروفسیر راعی برلاس راضایعهٔ بزرگ علمی وفرهنگی دانسته، روان مرحومی را درجواررحمت الهی شادمیخواهندوبه بازماندگان شان صبر جمیل آرزو میکنند.

یوگرافی پروفسیرقیام الدین راعی “برلاس”

قیام الدین فرزند محمد اسماعیل مخدوم ولدیت داملا قلندر تاشقرغانی آخند شهزاده ها در دربار امیر عبدالرحمان خان. تخلص و نام خانوادگی : راعی برلاس /محل تولد : گذر گرم سیلی، شهر تاشقرغان، خلم قدیم /سال تولد : ۱۹۴۰/۱۰/۰۹

مقام علمی : پروفسیرداکتر – تحصیل و وظایف: مکتب ابتدایی خُلم ۱۹۴۶–۱۹۵۱/متوسطه ابن سینا : ۱۹۵۱–۱۹۵۴/لیسه دارالمعلمین : ۱۹۵۴–۱۹۵۷/یک سال معلم انگلیسی ابن سینا : ۱۹۵۷–۱۹۵۹/فاکولته ادبیات کابل: ۱۹۵۹–۱۹۶۳/استاد فاکولته ادبیات کابل:۱۹۶۶–۱۹۷۱/ یونیورستی استانبول : داکتری در زبان و ادبیات ترکی از ۱۹۷۱–۱۹۷۸/استاد فا کولته ادبیات کابل : ۱۹۷۶–۱۹۸۰/استاد یونیورستی استانبول: ۱۹۸۰–۱۹۸۸/محرر و نطاق رادیوی اروپای ازاد و رادیوی آزادیخش ازبیک۱۹۸۸–۱۹۹۷ مونشن

پروفسرداکتر عبدالواسع لطیفی
الکسندریه – ورجینیا
صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز
دروصلت وطن و در غربت هجرت (۲۵)

سلام به همه کسانی که به پیش به سوی آزادی جهیدند
در هر کجا که بودند در هر زمان که زیستند !
(والت ویتمان)
این بخش زند گینامه امراباهمین شعرماندگار شاعر مردمی امریکا، والت ویتمان آغاز کردم که سلام جاودانه است به کسانیکه بری آزادی وطن و مردم خود و برای حفظ آبرو و قیام خود در برابر زورمندان و اشغالگران و سلطه جویان بپاخاستند، و تاپای جان مبارزه کردند. شهیدسربکف میهن عزیز ماقهر مان ملی احمدشاه مسعود(رح)، که در همین شب وروز در پانزدهمین سالگردشهادتش، از شخصیت و افکاراستثنایی او تجلیل می شود، وهمه همراهان وهمسنگران او در همین قطار رادمر دان شامل اند، اینک پارچه شعر آزادی را که در پژواک ندای وطندوستی آنهاچندی پیش نگاشته بودم، تقدیم می دارم :
همه جا، در همه حال، از تو دفاع میکنم میهن !

روی صخره های لغزنده و پر نشیب، همپایهٔ قله های پوشیده بابر فها، همه روز تاغروب واپسین آفتاب، همه شب تاسپیدهٔ سحرگاه، در وزش بادهای سرد و سرگردان، دردشتهای خشک ویی سایه، در مسیر دریاهای خروشان، پاسداری میکنم میهن، نام و ناموس و خاک ترا! برهم میزن صمدیار صف دشمنان سفاک ترا ! همه جادرتشش پای رادمر دان کهن، بادل و جان از تو دفاع میکنم میهن !

به زیر توده های خاکستر و خاک، در کنار کلبه های مخروبه و ویران، از باغچه های نیم سوخته و متروک، در مزارع زرد کونه و یی دهقان، در انعکاس گریهٔ زار یتیمان، در صدای شکست دل ییوه زنان،

همه جا از تو دفاع می کنم میهن !

در حملهٔ وحشیانهٔ انسان بر انسان، گماشتهٔ دست ناپاک بیگانگان، در یخبندان در زمستانهای جانسوز، در گرمای عطش افزای تموز، در قحطی ها، در خشکسالی ها، در سیلها، در زلزله ها، همه جا پیرو مبارزان وطن، بهر آزادیت سررافدامیکم میهن !
باتقدجان از تو دفاع میکنم میهن !

***** وقتی حین ورودم در امریکا دیدم یکعدهدادا کتران افغان که اکثر شاگردان عزیزوزرحمتکش از فاکولتهٔ طب کابل بودند، بخاطر نیارودن اسناد رسمی یاتایید رسمی دیپلم فراغت فاکولتهٔ طب، نمی توانندشامل امتحانات ورودی اس سی اف ام جی، و راهبایی در مراکز طبی و شفابخانه های ایالات متحده شوند، فوراً به کمک چند تن اطباء افغان داخل اقدامات مقتضی شده، توانستم وظیفه و موقف سابقم رابحیث استاد و رئیس سابق فاکولتهٔ طب کابل، از طرق قانونی ثابت و مورد قبول سازم، باهمین اساس بارزبایی اسنادو تایید دیپلومهای داکتران مهاجرافغانستانی در یک کمیته ایکه همسللکان گرامی پروفیسران داکتر اسمعدهسان غبار، داکتر ولی محمدعصیم و داکتر خیر محمدسار سلا نیز اشتراک داشتند، صدها داکتر افغانستانی مقیم امریکا توانستند در امتحانات قبول و موفق شوندو در شفابخانه هاو یونیورسیتی هابه مسلک طبابت ورشته های تخصصی خود پیردازند.

من این راپر ثمر ترین خدمتی میدانم که انجام داده ام. در پهلوی این خدمات مسلکی، دو کتاب رانیز نوشته وجاپ کرده ام: کتاب رازهای زندگی ازنگاه طبیب، و کتاب زند گینامهٔ استادعبدالرشیدلطیفی ومعرفی تیاتر وهنرمندان افغانستان بامساعی وهمکاری استادعنایت الله شهرانی وخطاطی زیبای استاد اخی هروی به نشر رسید . همچنان در تدویر سمینار یادبودمورخ فقیدمیر غلام محمدغبار نیز صرف مساعی نمودم.

در مدت بیش ازسی وسه سال اقامتم در ایالت ورجینییای شمالی، از چند سال به اینطرف ریاست یک انجمن روشننگر و صلح آمیز را بنام انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، پس از آنکه بنیادگذار آن محترم داکترسیدمخدوم رهین وظیفهٔ وزارت اطلاعات وفرهنگ رادرمیهن بدوش گرفت، بهده دارم که بادا یر کردن جلسات شورابعالی انجمن، امور مربوطه رایش برده ووقتا فوقتا اعلامیه های کتبی، مشوره ها و رهنمایی های سودمند رادرراه بهبودی اوضاع متشنج کشور صادر میکنیم که متون آن در جریدهٔ مردمی امید به نشر رسیده ومیرسد، ونسخه های به مراجع ذیعالقهٔ داخل کشور ارسال میشود.

هیچچنان در بعض مواقع نظریات انجمن به سمع مقامات بلندپایهٔ ایالات متحدهٔ امریکا نیزرسانده میشود، که اینک بطورمثال اعلامیهٔ ۱۴فبروری ۲۰۰۹شورابعالی انجمن، عنوانی رئیس جمهور بارک اوباما وجوابیهٔ ریاست جمهور ایالات متحدهٔ امریکا به شما ارایه میگردد :

نامهٔ انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان به ملاحظهٔ محترم رئیس جمهور بارک اوباما

وقایع مصیب بار وفاجعه ناک هفته های اخیرافغانستان، که منجر به کشتاری امان تعدادی ازماورین و مردم عامه ودرممند، خاصنا در پایتخت، شهر کابل گردیدو گسترش ونفوذیشتر عناصر تروریست و خرابکاران را بر ملاساخت، جدأ ایجاد میکندابه زودترین فرصت یک اقدام وعملیهٔ مؤثر از طرف نهادهای حکومتی، قوای موجودهٔ افغانی در حفظ امنیت کشور ومسؤولین قوای بین المللی ناتو، در رأس آن ایالات متحدهٔ امریکا رویدست گرفته شود.

شورابعالی انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، که شرح سوابق و موقف سیاسی آن ضمیمهٔ این نامه میباشد، بایادآوری از حسن نظرو طرح وپلان امیدوارکنندهٔ رئیس جمهورجدیدامریکا، آقای پرزنت بارک اوباما درقبال افغانستان، نکات ذیل را طی مکتوبی عنوانی ریاست جمهور وقصرسفید، احتراماً تذکر میدهد :

۱- ایجاد یک سد وخط امنیتی ودفاعی محکم در سرحدات شرقی وجنوبی افغانستان جهت جلوگیری از حمله آوران بخصوص در مناطق شرقی وجنوبی، جهت جلوگیری از نفوذ روزافزون وبرانگزر تروریست های منطقه ازطریق سرحدات وقبایل سرحدی در داخل خاک آن .

۲- مهار کردن وقطع فعالیتهوامنابع تولید وقاچاق موادمخدر که تمویل کنندۀ عملیات تروریستی وتخریبی حمله آوران، بخصوص در مناطق شرق وجنوب کشور.

۳- آموزش وفعال ساختن تعداد کافی عساکر وپلیس ملی باشتراک وشمول همه اقوام سراسرافغانستان

۴- نظارت ویشیتبانی ببطرفانه ازانتخابات آیندهٔ افغانستان که حتی الامکان مطابق موازین دامو کراسی، میرازهرگونه تمایل وتبعیض قومی بوده ورئیس منتخب آندۀ وادارهٔ امور مربوطۀ آن بتواند از کمکهایی بین المللی وقوای حافظ صلح بین المللی، بطورمدبرانه ودرایت ملی، در باز سازی کشور ورفاه مردم مصیبت دیدهٔ آن، استفادهٔ براصل نمایندواعتبار و علاقهٔ کافۀ ملت رابه حکومت آینده احیا کند.

ضمن تذکرات چهارگانهٔ فوق، این انجمن نکات اساسی نامهٔ سرکشادهٔ تحلیلگرسرشناس بخش امنیت ملی نشرات معتبرامریکا، پیتز برگن را که از طرف (نیو امریکن فاندیشن) عنوانی رئیس جمهوربارک اوباما ارسال شده، یقیناً به ملاحظهٔ شان رسیده است، و یک طرح معقول با پیشنهادات عام المنفعه میباشد، باختصار ذیلا یادآور میشود :

«مسألهٔ خیلی مهم وقابل غور توجه درحالت فعلی منطقه اینست که

عبدالکریم نواب

هامبورگ – جرمنی

ای به یلدت هی هی و های های من
چندی پیش دوستی به من خبر داد که ایرانی هاو ترک ها، مثنوی معنوی مولوی رادر یونسکو به نام خود ثبت کردند، که هبوطان مادر امریکا صدای اعتراض شان بلندشد وحق هم دارند. بنده ندانستم که ایرانیها و ترکها چه هدفی در این عمل داشتند.

به یادم هست که سالهای پیش ازین به همت وتلاشهای پیگیر شادروان استادخلیل الله خلیلی شاعر مثنوی سرا، بین دولتهای افغانستان و ترکیهٔ آنوقت پیمانی بسته شد که رابطهٔ بلخ وقونیه راجاودانه نگهدارند، که در آن پیمان نامی از ایرانیان برده نشده بود. اینکه ترکها آن عهدو آن پیمان راشکسته اند ویا فراموش کرده اند، تعجب کردم وباخود گفتم نکند قول سنایی غزنوی که هزارسال پیش ازین روز در بعدعهدی ترکها گفته بود وحکم مثل سایر داشت، درست وراست باشد :

ماخود ز تو این چشم نداریم از یراک

ترکی تو هرگز نبود ترک وفادار

راستش بایداعتراض دولت افغانستان بلندمیشد که صلاحیت این کار را داشت، اما معلوم است که از دولتمردان نامرد افغانستان این کار ساخته نیست، کسانیکه خاک وطن رادودسته وبه افتخار به بیگانگان تقدیم میکنند ومی فروشند، چه اعتنایی دارند که مولانا کیست وبه کجاعتلقی دارد! مولانا پاسخ این ناکسان راخود داده است :

آخر آدمزاده ای ای ناخلف چند پنداری تو پستی را شرف

من خود دیدم که در تهران خیابانی بزرگ بنام (مولوی) است وخیابانی هم بنام ناصر خسرو ووبعلی سینای بلخی... بفرمایید بگو ید که در کجای افغانستان حتی کوجه وپسکوجهٔ تنگ وتاریک بنام یکی ازهمین بزرگان اندیشمند ما مسما شده باشد؟! بر خلاف، نام خانبان ملت همه جابه چشم میخورد.

این نامردمی ها ویی پروایها در برابر بزرگان ادب وفرزندان معنوی کشور که هر کدام افتخارجهان وانسان است، مرا به یادنوشته ای انداخت که یکی از مؤرخان طنزنویس معاصر بیرون داده بود: «مولانا رافغانها از خاک خود بیرون کردند وایرانیها اورا جاندا دند و ترکها به پدر و خانواده اش که بار ومتاع کاروان شان سه صدشتر کتاب بود ویس، در دورترین منطقهٔ خاک خود پناه دادند، اما دوروبر شانرا خط کشیدند وکارهاو کردارهای پدرش رازیر نظر داشتند.
»
درافغانستان هیچ کاری و کوششی و تحقیقی درخورتوجه در موردمولانا نشده است. تاسالهای کودتای خلقپها وپرچمپها که بنده در کابل بودم، نامی ونشنایی ازمولانا نبود. در ایران، دانشمندان ایرانی ازدرباز کار تحقیق وتنبیع را در آثار خوداونگار بلخ آغاز کرده بودند که آنهم بیش از چهل بیابنجه سال عمر نداشت. استادیبع الزمان فروزانفر مثنوی معنوی را بادیوان شمس تصحیح وتوشیح کرد ومثنوی راتادفراول شرح و تفسیرنمود، ویدنبالش دکترعبدالحسین زرینکوب کاراستادخودرا دنبال کرد که حاصل کوششهای اوچند کتاب وچندین مقاله است که هر کدام روشنگر افکاروشخصیت معنوی مولینا به استادمثنوی معنوی ودیگر آثار اوست. پس ازاستادزرین کوب، دکتر محمدرضاشفیعی که کنی، شاعر، نو یسنده و پژوهشگر گراقتدر، از غزلهای شمس تبریزی گزیدهٔ ترتیب داد وبسیار استادانه به شرح وتفسیرابیات آن پرداخت . البته این کار در ایران ادامه دارد وشاید کسانی بیابند همان شیوهٔ استادان خود را دنبال کنند، چه هرچه تحقیق وجستجو در شعر مولینا افزون باشد، باز جای پژوهشی دیگر باقی است.

اما ترک ان تنهابه نام مولینا افتخار میکنند واحترام بسیار دارند، اما از مولانا چیزی نمی دانند، نه از کارو کردار او خبر دار ندونه از آثار و اشعار او واقف اند، بویژه باتغییر رسم الخط خوده بلاتین، یکسر ه از گذشتهٔ تاریخی خود بریده اند. اگر ازخود مولینا می پرسیدی، تسخرمیزد ومیگفت: نیمیم ز ترکستان نیمیم زفرغانه – نیمیم زآب و گل نیمیم ز جان ودل – نیمیی زلب دریا نیمیی همه دردانه . این خودمولانا بود که جواب ظاهرینیان وتنگ نظران وغولان آدم رورامیداد که (آفاق از وجودشان پیرود)، در حقیقت ردپای گم میکرد تا که برمقصدش راهزنان ره نبرند- وهمو بود که میگفت: «بستهٔ جهان آب و گل نیست بل باجان ودل انسان دردمند پیوند دارد و برای مصلحت آنان است که حبس دنیا رابه جان خریده است.

آن جوانمرد آزاده حق داشت که هربار بادیدن خداوند گار بلخ فریاد بزند وبگوید: از خدا آمده ای آیت رحمت بر خلق – خود کدام آیت حسن است که در شان تونیست .

استادفروزانفر در مقدمهٔ دفتر اول مثنوی معنوی، داستان پیر چنگی، گوشهٔ از اندیشهٔ دربار خداوندگار راچنین بیان میکند: ... «کزینجاممکن است این اندیشهٔ عامیانه ولی حاکم برجامعهٔ چهل آمیز وواقع ناشناس غالب آید که میان جنس زن ومرد در راه رسیدن به خدا ویا کمال مطلق تفاوتی در میان است وزنان نمی توانندبه درجهٔ کمال روحانی یا ولایت برسند. مولانا باروشن بینی وقوت ادراکی که خاص اوست، برخلاف این فکری بی بنیان وسست مایه، سخن میگوبد. به عقیدهٔ اومدگ ریامؤنث بودن از احکام ولوازم بدن است وشاید از این راه میان جنس زن رنه و مادینه تفاوتی فرض شود وقوانین اجتماع واحکام شرع میان این دو جنس فرق بگذارد، لیکن به حق پیوستن وبه کمال معنوی دست یافتن ازراه جسم وطریق اعضای تناسل صورت نمی گیرد تامیان این دو جنس تفاوتی به حصول پیوندد، ازدل و جان توان به خدا رسید، دلی که پاک وجانی که از آلودگیهای تقلید برهد، به مقام معرفت نایل واندشده، از موازیمینی بهره نمی گیرد و فوتش از نان و گوشت نیست، این جان یمار نمیشود، خوشای و لذت بخش، لذت اواصل واز خود به خود است، مانندشکر که هر گراز شیرینی باز نمیکسلد، برخلاف خوشهای جسمانه که گاه هست وگاه نیست ».

میگویند: «فرهنگ ملی، مجموعهٔ است از هنر ها وذوقیات وآداب وسنن وتاریخ هر ملت ومایهٔ تشخیص آن ملت از دیگر اقوام جهان.
»

پس مادر کدام جای جهان قرارداریم که باسابقهٔ درخشان فکری وعلمی وانسانی خودیکباره بریده ایم، میتوانیم در کشمکش زندگی نابسامان خود در پهلوی جریان عظیم پیشرفت وصنعت ملل مترقی جهان بایستیم و دم اززندگی بزیم ؟ ما در حال حاضر صاحب هیچیک ازخصایص فرهنگی نیستم، نه هنر داریم ونه ذوق هنر ونه آداب وسنن گذشتگان خود را نگهداشته ایم ونه بکار بسته ایم. برعکس تاریخ ما پر است از جنایتها، غارتها وتاراج مال ومنال خودمان وتجاوز بر دیگران! ملتی هستیم بدیخت، خوار وحقیقر وسیبه روز وآواره که استبدادهرحاکمی را تحمل کرده ایم وظلم ویدادهر ستمگری رابجان خریده ایم، وهرگز صدای اعتراض ما بلند نشده است. مایهٔ تأسف وتألم است که بعضی از جاهلان ومعصبان پیرو شیطان، فرهنگ ملی رادر چندپارچهٔ ناموزون دستار و ایزار و ریشی وبروت و سر مه و وسمه خلاصه کرده اند، واز اینکه ناموس ملت در دست بیگانگان است، حتی برابر و نمی آورند.

بنده به این باورم که این دینی که بنام اسلام است واز پیچ وخم حادثه ها ونشیب وفراز تاریخ گذشته ودر کشمکشهای قدرت طلبان سفاک از خود یو یگانه ازجا نرفته وبما رسیده است، از ترک ت تلاشهاو کوششهای بزرگانی اندیشمند وعارفانی ارجمند ودردمند بوده است، کسانی چون حضرت خداوندگار بلخ، سنایی غزنوی، عطار نیشاپوری، محمدغزالی، فخر رازی، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی، ابراهیم ادهم و صدها تن دیگر که در خدمت انسان وجامعهٔ آن

سید آقا هنری

هامبورگ – آلمان

چرا جهاد ما را بدنام کردند ؟!

(پیوست به شمارهٔ پیش)
صدهاسال قبل فورمول تفرقه بینداز و حکومت کن از طرف انگریز و متحدینش طرح شد چرا آنهادرک نکردند، هرگاه ۵۶ مملکت اسلامی یکجا شوند سیل خروشان ۲ میلیارد مسلمان، قویترین قدرت دنیا میشوند و ماب ابائی خود را از دست می دهیم ودگر نمی توانیم از آنها برده وارسوءاستفاده کنیم، بایدچارهٔ سنجید که کنجشکک های طلائی را دردست داشته باشیم، این بود که جواسیس تربیه کردند که زبان های ممالک اسلامی را روان صحبت کنند وحتى مسلمانی باشند که هیچ شکی بالای شان نشود چنانچه جنرال انگریزی در مسجد پل خشتی کابل ۱۸ سال چنان امامت کرد که احدى بوی نبرد. وقتی امیر عبدالرحمن خان بر تخت سلطنت نشست دریشی جنرالی خود را پوشیده نزد امیررفت وخود را معرفی کرد، در زیر جای نماز خود پرزه خطی گذاشته بود که من انگریزم نمازهای تان قبول نشده. در خاندان سعودی نزدیک ترین مشاورش انگریزی بود که از فامیل شاه صاحب خانمی هم شد، شاهان ایران که کاملا در دست شان بود، در بنکار خود چنان ماهرانه پیش رفتند وهستهٔ نفاق را به خصوص درین خاندان سعودی وایران صدهاسال قبل بذر کردند که دگر محال است این دویرادر مسلمان یکجا شوند، اگر این دویرا دریکی میبوند و ایران دردوران عثمانیها کارشکنی نمی کرد، امروز اروپا مسلمان می بود.

بالاخره در فکر این شدند، چکشی برفرقی مسلمین بکوبند که علاج ناپذیر باشد. در سال ۱۹۴۷ حکومت فاسد انگریز بامهمکاری امریکا ومتحد ینش صدها هزار پهردابه یکبارگی توسط کشتی هادر فلسطین آورده ملک شان را غصب، وصاحبان اصلی آن دربار ا زده ودیار شان صدها کیلومتر دورا نداختند، و حکومت غاصب صهیونیستهارا تشکیل کردند تاحال این حکومت ظالم چندین بارنه تنها فلسطینی هارا قتل عام کرد بلکه مصر، اردن، سوریه ویبروت؛ را هم. چنانچه در ماه فبروری ۲۰۱۴ در مقابل ۴ صهیونیست جانی اضافه از ۲ هزار فلسطینی را در مدت ۲۲ روز متداوم بمباران و ۸۰٪ غزه را با خاک یک سان کرد.)
زنده باد ملل متحد ؟؟!
فلسطینی هاهنوز هم صاحب دولتی وحکومتی مستقلی نیستند. حتی راه بحری وخشکه را بروی شان بسته چرا ایران حق استفادهٔ دانش اتومی را که حق مشروعش می باشد ندارد، با اینکه عضو اتحادیهٔ تحقیق اتم شناسی مربوط ملل متحد می باشد، اما حکومت غاصب صهیونیزم صاحب ۴۰۰ معدد بم اتم است، این راز راصدر اعظم اولاد نامشروع غربی ها در سال ۲۰۱۲ علنا فاش کرد، خاندان اهل سعود گنگ است و کور، اما در مورد تعذیرات اقتصادی ایران از طرف غربی هاو اینکه ایران قدرت اتمی نشده، شانه به شانه با باداران شان هم کاری دارند حتی با صهیونیزم.
بلی دزد را میگویند دزدی کن صاحب خانه را میگویند هوشیار باش .

چو کفر از کعبه بر خیزد کجا ماند مسلمانی !

سال ۱۹۹۱ در افریقا فرانسوی ها فرقهٔ هوتی که در اقلیت امادر چاکری اکثریت بود مسلح کردو آنها به جان فرقهٔ توتی افتادند در یک ماه اضافه از یک ملیون توتی را کشتند، ودرو بوزیا در حضورداشت ۱۰ هزار عساکرهالندی که از طرف ملل متحد گماشته شده بودند، ۸ هزار مسلمان را صریها قتل عام کردند، در نتیجه دهاسال بعد دوسه نفر هوتی ودو یاسه نفر صری را طورنمایشی در دادگاه بین المللی دنهاگ محاکمه کردند.

قرار احصایهٔ ملل متحد بابت تهاجم روس بالای وطن آباتی ما ۲۴۰ میلیارد دالرخسارت وارد شد، آیا یک دینار یک ایه یا یک پیسه اش را کسی دید؟ یا کسی پرسیده، ای روس بی حیای آدم کش ای بی فرهنگ در مملکت همسایه ونادارت چه می کردی؟ در حالیکه بنیاموک ۹۵ ساله رادر سال ۲۰۰۸ از سنتری مریضی در چپرکش از امریکا به آلمان آوردند و یک نفر بنام مایر ۹۳ ساله را که توان راه رفت رانداشت در زیر بغلهاش در آمدند به محکمه نسبت مسئولیتی جرایم جنگ دوم جهانی حاضرش کردند.

در سودان فابریکهٔ تولیدات ادویهٔ طب یونانی بود، که تمام تولیداتش از منابع طبیعی تهیه میشد ادویهٔ این فابریکه در اروپا وبالاخصه در امریکا مشتریانی زیادی داشت، که بامقایسهٔ ادویهٔ شیمیایی ازنگاه صحنی و قیمت به مراتب مفیدتر وارزاتر بود، امریکائپها در ۲۰/ ۸/ ۱۹۹۸ به بهانهٔ اینکه این جاسلاح شیمیایی تولید می شود فابریکه را را کنباران کرد. بعدا هیئت تحقیق ملل متحد تصدیق کرد، کا ما اثری از تولیدات شیمی یادهری ندیدیم. امریکائی جانی نه عذرخواست نه غرامات پرداخت. اگر زردر کیسه وزور د بازو داری، هرچه می خواهی بکن. اما باید بدانی که یک نام الله قهار است.

موتر تانکی تیلی در نزدیکی شهر قندرز روز ۲۰۰۹.۵.۹ در گل ولای گیر آمده بود، مردم باستل و کسترن جمع شده بودند که از آن تیل بگیرند، برای قوای عسکری ناتو خبر رسیده که طالبان جمع شده، آنها بدون این که واقعیت را تحقیق کنند یاحملهٔ زمینی کنند قوای عسکری آلمان با فرمان دادن جنرال کلاین، بافیر کردن راکتی از هواپیما تقریبا ۱۷۰ وطندار مارا بریان کرد، جنرال کلاین مسئول این عملیات بعدا نامش راشنبه خوانده، وقتی سروصدای مردم بلند شد برای هرفرد ۲۵۰۰ ابروخسارت دادند، اما معذرت نهخواستند، وزیر دفاع آلمان این حمله راغیر قابل قبول خواند .

کشتند بشر را که سیاست این است کردند جهان ابتر که حکمت این است
در کسوت خیر خواهی نوع بشر زانند چه فتنه ها، که مهارت این است
(استاد خلیلی)

عبدالله: ایجاد حکومت جدید خواب است

۲۴سپتمبر/کابل – صدای امریکا : عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه افغانستان که در آغاز برنامهٔ میثاق شهروندی در ارگ ریاست جمهور سخن میزد، تأکیدمیکند، حکومت وحدت ملی دستاوردهایی دارد و برای مردم فرصتهای خوبی را فراهم کرده است. در حالیکه برخی احزاب و متخالقان سیاسی حکومت، سروصداهای را مبنی بر تکمیل شدن زمان کار حکومت وحدت ملی به راه انداخته اند؛ اما رئیس اجرائیه افغانستان میگوید ایجاد حکومت جدید به عوض حکومت وحدت ملی یک خواب است او میگوید اینها بروند ما یک چیز دیگر را می سازیم از سر، این یک خواب است، دوم؛ به کدام مشروعیت، به کدام بنا؟ به گفتهٔ رئیس اجرائیه افغانستان، کمی و کاستی هایی در انجام تعهدات حکومت وحدت ملی وجود داشته ؛ اما حکومت به تعهدات خود پابند است و از فرصت های پیش رو به نفع مردم استفاده خواهد کرد. اما حکومت وحدت ملی دوساله از عمر خود را سپری کرده است؛ با تکمیل دوسالگی بر اساس تفاهنامهٔ سیاسی و اعلامیهٔ مشترک محمد اشرف غنی و عبدالله در آغا برای ایجاد حکومت وحدت ملی امضا کرانده، باید در کنار اصلاحات انتخاباتی، لوی جر که تعدیل قانون اساسی بایدفراخوانده می شد تاپست ریاست اجرایی را به صدر اعظم اجرایی تغییر دهد.

ریاست جمهور افغانستان گفته است که شوراهای ولسوالی از ارکان اساسی لوی جر که است؛ در حالیکه اکنون انتخابات شوراهای ولسوالی بر گزار نشده است؛ برگزاری لوی جر که مشکل خواهد بود. رئیس اجرائیه افغانستان نیز کوتاهی ها را می پذیرد و می گوید بلاتحشی از تعهدات حکومت وحدت ملی که ما خود را مقصر می دانیم، برگزاری انتخابات و دایر کردن لویه جر که بولگ.

صفحاتی از یک زندگی ... (دنباله از صفحهٔ چهارم)
و تعمیم اقتصادی زراعتی گسترده در افغانستان، ۷- برگزاری انتخابات صاف و روشن و آزاد و واقعی برای تعیین رئیس جمهور آیندهٔ افغانستان در سال ۲۰۰۹.
با عرض حرمت، دارالانشای انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، ۱۴ فیبروری ۲۰۰۹

در همین راستا کابی نامهٔ جوابیهٔ تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۰۹ رئیس جمهور بارک اوباما را نیز در متن اصلی انگلیسی آن که عنوانی اینجانب رئیس انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان ارسال شده بود، به شما تقدیم میکنم :

امضای اوباما

شرح مسخره بازی ها ... (دنباله از صفحهٔ دوم)

سربیش می نهم وز مرگ پرهیختن نمی خواهم
هر لحظه آتش در شهر افروختن نمی یارم
هر روز فتنهٔ در دهر انگیختن نمی خواهم
این قافیت سبکتر گیر، جنگ و جنون و جهلت بس
این جمله گر تومی خواهی ای نامردمن نمی خواهم (سیمین بهبهانی)/

مسعود در توفان سیاست ها ... (دنباله از صفحهٔ دوم)

جینوار! احترام مینمود. * مسعود آ تقدراز نعمت اخلاق و ذخیرهٔ ارزش و احترام انسانی برخوردار بود که در زمان جنگ و قبل از ورود به شهری، به عساکر خود دستور میداد که بر زنان، اطفال، مردان و دارایی مردم دستبرد نزنند و به مردم هیچگونه اهانت نکنند.

دراثر جهاد و نبرد با شرافت این مرد بزرگ، دیوار برلین شکست، کاخ کمونیسم کرم لین زوال یافت و جنگ سرد بین دو قدرت جهانی از بین رفت.
* وال ستریت ژورنال، مسعود را فاتح جنگ سرد لقب داد.
* وینسان هوگو ژورنالیست معروف فرانسه مسعود را «درخشان چهرهٔ حماسه آفرین انجام قرن» یاد کرد.
* برنارد هنری لیوی فیلسوف بزرگ فرانسوی دردیدارهاییکه با احمد شاه مسعود داشت، خصوصیات او را چنین برشمرد: «کافغانها ملتی اند که تاریخ هرگز فراموش شان نخواهد کرد. احمدشاه مسعود نمونهٔ از همین ملت است، ملتی که در سهای فراموش ناشدنی را در تاریخ این قرن یادگار گذاشته است. من دیدم که مسعود آنچه راجع به اتحاد و اتفاق مبارزانش میگفت، جدا به آن معتقد بود که به نظر من امروز او یگانه شخصیت افغانی درین راستاست.
»

* عبدالله عزام مردمشهور و دین‌فوذ عرب دربارهٔ احمدشاه مسعود گفت: « مسعود پدیدهٔ تکرار ناپذیر است، او بهتر از ناپلئون بناپارت در مقابل روسها ایستادگی کرد. * «کوفی انان سرمنشی سازمان ملل گفت: « مسعود برای خود یک ستراتیژی نظامی داشت و برای حفظ حق حاکمیت افغانستان کمک قاطع و حیاتی نموده بود. قتل او مساعی را برای خاتمه دادن به جنگ داخلی افغانستان به مشکل مواجه میسازد. مسعود برای راه حل هرمنازعه همیشه آماده بود.
»

نکول فاتنر رئیس سابق پارلمان اروپا اظهار نمود: «هرگ مسعود موجب نگرانی عمیق من دربارهٔ افغانستان میشود. مسعود امید آزادی مردم افغانستان در برابر جنون ویران کنندهٔ قدرت در کابل بود.
»

دوستان گرامی! احمدشاه مسعود چون ستارهٔ درخشانی از درهٔ پنجشیر درخشید. او در پاکی و ییگانهی چون کیو تری سیدبال و درغرور و بزرگی و شهامت چون عقابی بلند پرواز بر کوه‌ها، دره ها و آسمانهای کشورش اوج میگرفت و محبت و جوانمردی اش دردلهای دوستان و یارانش چون سلطان مقتداری حکومت میکرد. در آفتابهای سوزان و زمستانهای سرد راههای صعب العبوری رامی پیمود و از طلوع سپیده دم تا سیاهی شب برای نجات کشورش جانبازی میکرد. مرگ این قهرمان بزرگ نمیتواند تلاطم اقیانوس آزادی و بزرگواری را از دل ها برباید. این را دمرد بزرگ در دل مردم افغانستان تحسی از وطن پرستی، انسانیت، بشریت و فداکاری را کاشته است که تاجهان باقیست علم آزادی او را بر شانه باید کشید.

گرچه مسعود تا امروز وارث سیاسی ندارد، اما هریگ و سنگ و صخره، در هر دره و وادی کشور نوای دل انگیز و آزاد بخش او را از امواج رودخانه ها خوانند شنید و بر بزرگی و شهامت او درود خواهند فرستاد. به روح بزرگش درود می فرستم. /

کرزی و احمدزی (دنباله از صفحهٔ سوم)

انتحاری قرار گرفت که داعش مسؤولیت آنرا بدوش گرفت که در آن اقلا ۸۰ نفر تلف شد.

اکنون معترضان حکومت رامسؤول میدانند که از آنها حفاظت نکرده و آنها واقعا در معرض آسیب حمله قرار داده بود. معترضان به احمدزی هوشدار دادند که تقاضای شانرا اگر تا ماه سپتمبر بر آورده نسازد، تظاهرات خیابانی دیگر صورت خواهد گرفت.

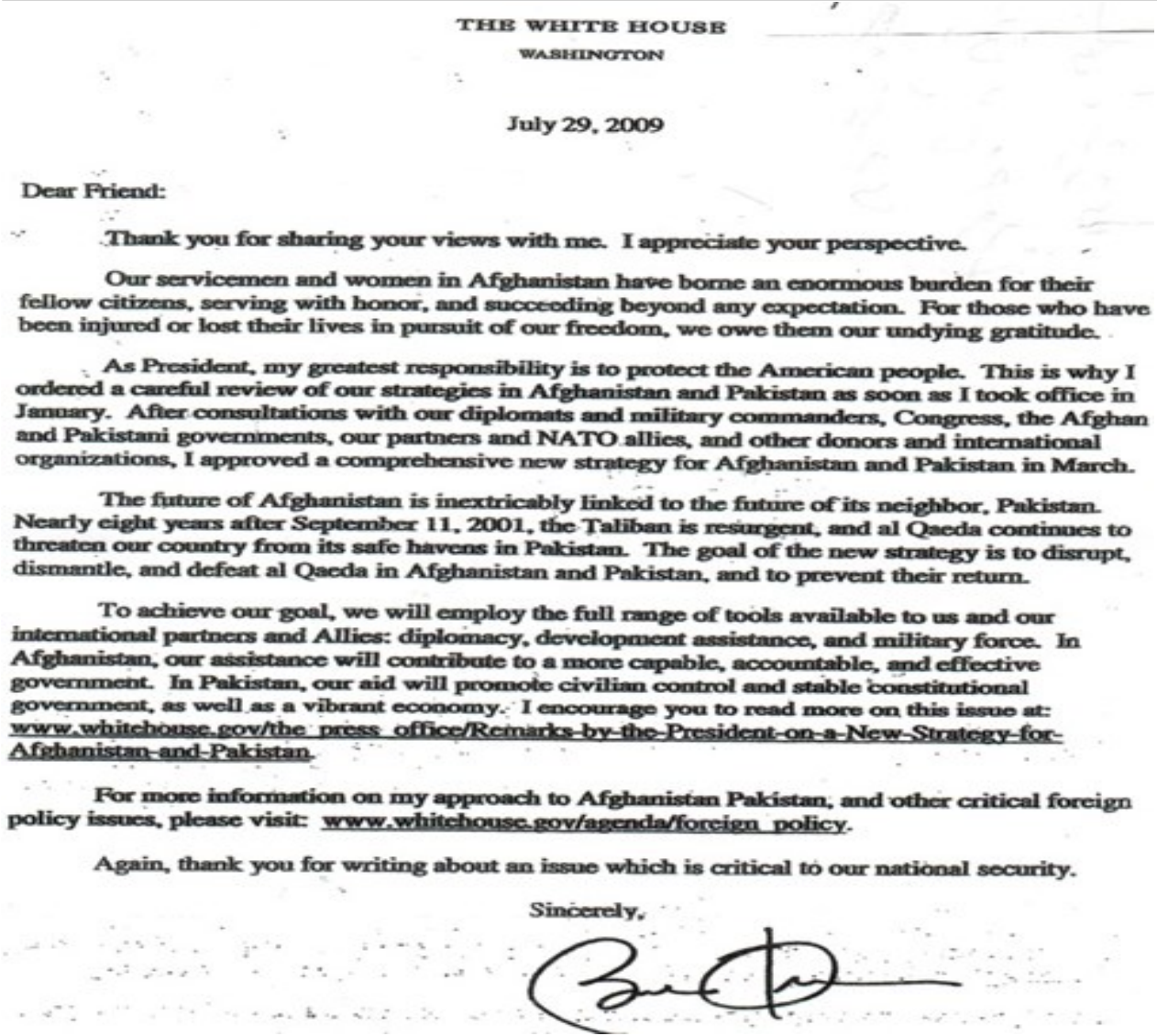
قطار ریل چین به افغانستان رسید

۷ سپتمبر/حیرت‌ان– صدای امریکا: برای نخستین بار محموله ۴۸ واگون اموال تجارتی چین از طریق آسیای میانه وارد بندر تجارتی حیرتان افغانستان شد. مسئولین وزارت تجارت و مقام های چینی که برای استقبال این محموله اموال تجارتی به شهرک حیرتان رفته بودند، از ایجاد سهولت های واردات و صادرات بین دو کشور سخن گفتند. این واگون ها که اموال تجارتی مختلف را در خود دارد، از شهر ارومچی چین بعد از یازده روز و با پیمودن نزدیک به سه هزار کیلومتر از طریق کشورهای قزاقستان و اوزبیکستان، وارد افغانستان شد.

محمد اسحاق سروری، سرپرست ولایت بلخ گفت: «با این گونه گام گذاشتن ها منابع گمرکی ما، منابع عوایدی ما، منابع تجاری ما، منابع مالیاتی ما، و موارد دیگری عواید را در سطح کشور نشان می دهد سخت رشد می کند، تزئید می ابد، و ما را از مصیبت دست درازی و عدم خود کفایی خلاص می سازد».

سفیر دولت خلق چین در افغانستان گفت : با ایجاد روابط تجارتی از طریق خط آهن با افغانستان، کشورش برای تامین ثبات سیاسی و اقتصادی در افغانستان کمک می کند. او تاکید می کند که پیشرفت اقتصاد چین بدون پیشرفت اقتصاد منطقه معنی نخواهد داشت و این کشور برای احیای مجدد راه ابریشم در تفاهم با افغانستان روی پروژه (ون بسیلد ون ورد) کار خواهد کرد.

مقام های افغانستانی می گویند که این قطار هر ماه دوبار از کشور چین به افغانستان و بر عکس حرکت خواهد کرد. سخنگوی وزارت تجارت افغانستان گفت : این قطار زمینه ساز رشد تجارتی و اقتصادی در منطقه خواهد شد. مسافر قوقندی سخن گوی وزارت تجارت افغانستان گفت : «چین یک کشور خوب است که



ایران رویدانشیر از ر اطور جدی پیگیری کند

۹سپتمبر/کابل –بی بی سی: وزارت امورمهاجرین و عودت کنندگان برخوردنیروی انتظامی شیراز با پناهجویان افغان را عمل غیر انسانی، توهین آمیز و تعرض به کرامت انسانی خواند.
دوروز قبل پلیس شیراز از مکشوفاتی از قبیل مواد قاقاج، مواد مخدر، خودروهای سرقتی ،فلم‌های غیر مجاز، مشروبات الکلی و دستگیری اتباع یگانه خبر دادو تصاویری از آنرا منتشر کرد.
درین تصاویر شماری از مردان با چشم بند در حصرای فلزی در فضای باز دیده میشوند. جزئیات در مورد تابعیت آنان ذکر نشده، ولی از ظاهر تصویر به نظرمی‌رسد که افغان باشند.

پلیس ایران تاحال ر سمدار باره اظهار نظر نکرده اما در توییتر منسوب به محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس آمده: بنابر توضیح پلیس امنیت فارس،

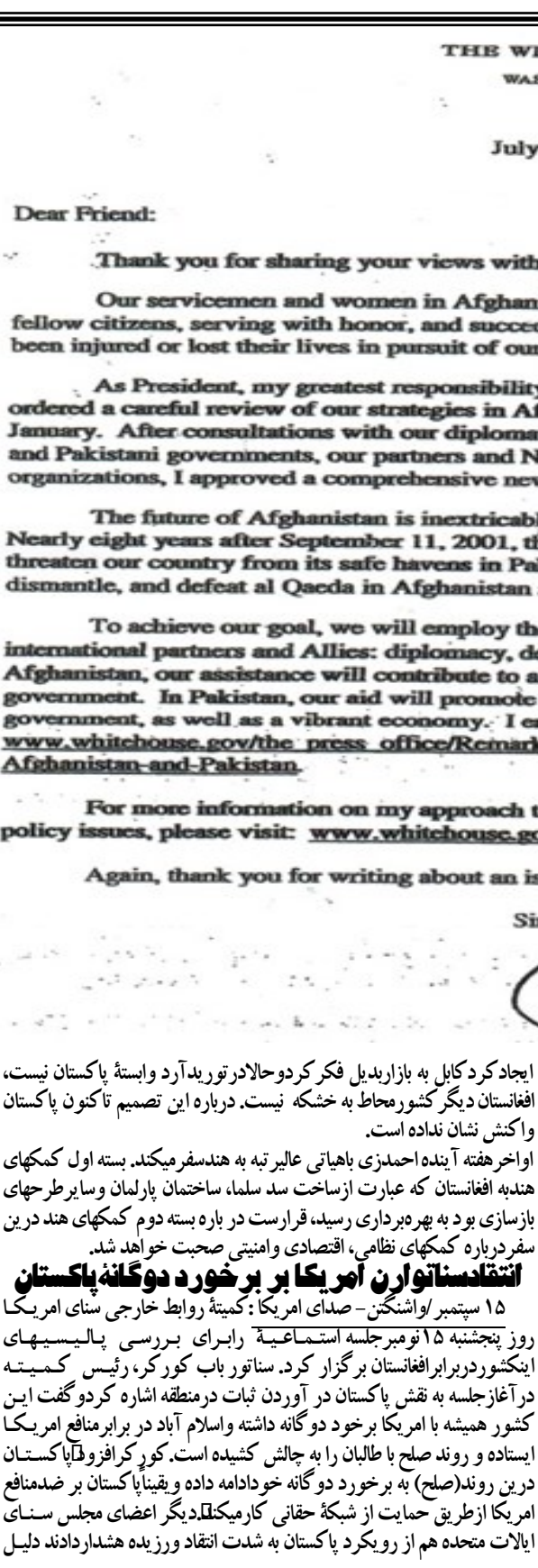


این افراد سارقان ایرانی هستند که در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی دستگیر و در محوطه یگان با راهبندهای فلزی محصور شده‌اند.
واکنشهای افغانها:
محمدرضا خوشک، نماینده هرات در مجلس در فیسبوکش نوشت: میگویند در شهری که سعدی گفته، تو کر محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی، مردمانش انسان‌ها را داعش وارد قفس به نمایش میگذارند. این شر سعدی درواکنشهای زیاد از سوی ایرانیها و افغان‌ها ذکر شده است.
رشید محمدی، معاون دفتر دانش با نشر یکی از عکسها نوشت: گاهی اوقات، عمق یک مفکوره نژادی و فاشیستی را هیچ منطق ویرهانی توجیه نمی‌تواند. ادعای اسلامی و انسانی بودن را باید در عمل ثابت نمود.
واکنشهای ایرانیها:
الله خسروی روزنامه‌نگار ایرانی، در توییترش نوشت: قریه‌است با مهاجران درست رفتار کردیم، از لهستانی و ارمنی بگیر تا یهودی و...، تو ی این سی سال ولی قد تمام تاریخ شرمند افغانها شدیم. آرش بهمن، روزنامه نگار بازنشر عکسی از پناهجویان چشم بسته نوشت: گر به اکنون صفت ابراست.

کاربران هردو کشور بر خوردنیروی انتظامی شیراز با پناهجویان افغان را به برخورد نیروهای موسوم به دولت اسلامی (داعش) تشبیه کرده اند.
سالار گوهر آگین در توییترش با اشاره به این عکسها نوشت: چه فرق بین پلیس شیراز و ابوبکر بغدادی فرمانده داعش می‌بینید؟ هیچ ! یک هیچ بی نهایت بزرگ!

افغانستان به لاریهای پاکستان اجازه عبور نمی‌دهد

۹ سپتمبر/کابل – بی بی سی: افغانستان اعلام کرد بعد از اینکه پاکستان به اموال تجاری مخصوص میوه این کشور اجازه صدور از خاک پاکستان نداد اینکشور نیز به تمام لاری‌های پاکستان که قصد عبور از خاک افغانستان را داشت، اجازه عبور نخواهد داد.
مر تقصوی گفت افغانستان تلاش کرد در میان کشورهای منطقه یک نقطه وصل در قسمت تجارت و ترانزیت باشد. درین زمینه همکاری با کشورهای همسایه ادامه دارد. قطار بار بازرگانان افغانستان از چین به شمال این کشور رسید و خط آهن ایران به افغانستان وصل شد. خط آهن ترکمنستان به هرات و همچنین بندر آقنه قرار است که افتتاح شود.
اویا اشاره به افتتاح بندر چابهار گفت پاکستان در تبدیل شدن افغانستان به چهارراه آسیا همکاری نکرد و در فصل برداشت و صدور میوه افغانستان مرزهای خود را بست و تجارت افغانستان از این کار زیان بزرگ دیدند.
بعد ازین اقدام پاکستان، احمدزی باهند صحبت نمود و دلی موافقت کرد میوه افغانستان بدون مالیات وارد آن



موجه ای برای ادامهء کمکهای امریکا به این کشور وجود ندارد.

در این جلسه، ریچارد اولسن نمایندهٔ خاص امریکا برای پاکستان و افغانستان به موقعیت پاکستان در منطقه اشاره کرد و گفت اسلام آباد دو انتخاب دارد: اقدام علیه افراطگرایان یا انزوای بین المللی. اولسن گفت: لمن همواره باور داشته‌ام که پاکستان در یک موقعیت استراتژیک قرار داشته میتواند با برضد افراطگرایان که در قلمروش پناهگاههای امن دارند و کشورهای همسایه را تهدید بدمیکند، اقدام کند یا به چشم پوشی از این مشکل ادامه دهد. در صورت اقدام پاکستان در برابر دهشت افکان ثبات در منطقه تامین خواهد شد و رابطه اسلام آباد با واشنگتن و همسایگان پاکستان بهبود خواهد یافت.

مقامهای افغان و امریکا از دیر زمانی ارتش و آی اس آی، را به پناه دادن و تمویل طالبان متهم می کند. مقامهای پاکستان اما همواره این انتقادات را ناموجه خوانده و گفته اند که پاکستان خود قربانی دهشت افگنی است.

ناکامی نیرو های امریکا در نجات گروگانان

۹سپتمبر/واشنگتن – صدای امریکا: سربازان عملیات ویژه نیروهای بحری امریکا یا «نیوی سیلز» «ماه گذشته برای رهایی یک استاد دانشگاه امریکایی و همکار آسترالیایی اختطاف شده اش، یورش ناکامی را انجام دادند. آنان با طالبانی که آن دو استاد را در قید شان دارند جنگ مسلحانه سختی در یک محوطه دور دست در کوهای شرق افغانستان داشتند. نیویورک تایمز این خبر را از قول مقام های امریکا گزارش داد که طبق آن، عملیات نجات چندین روز پس از آن راه اندازی شد که کیفین کینگ، استاد امریکایی و تیموتی ویکس، استاد آسترالیایی روز ۷ آگست از مو تر شان در نزد یک ساختمان دانشگاه امریکایی افغانستان، توسط افراد مسلح اختطاف شدند. اعضای گروه سیل، با حمایت نیروهای ویژه دیگر اردو موسوم به رنجر به فاصله چندین ساعت، موفق به نجات گروگانها نشدند.

پنتاگون این یورش را برای نجات دو غیر نظامی تایید کرد اما گفت گروگانها در محل نبودند. هیچ امریکایی در عملیات کشته نشد اما شماری طالبان کشته

بازگشت همه به سوی اوست
وفات شادروان محمدنسیم اسلمی را درتکساس، به خانواده های محترم اسلمی، شیرزی، صدیق، بویژه خواهرگرامی شان بانوطاهره جان شیرزی صمیمانه تسلیت میگویم .
امید

عرض تسلیت

به مناسبت وفات دانشمند گرامی داکترمحمدموسی صفا، صمیمانه ترین تسلیت عمیق خانوادهٔ رازی و خودم را به دوست بزرگوار ومهربانم جناب محمديوסף صفا تقدیم می دارم.
الله مهربان روح مرحومی را شاد بدارد وبه خانوادهٔ بزرگ صفا اجر جزیل عطا بفرماید.
نصیراحمد رازی از شهر سدنی، آسترالیا

توضیح ضروری

درشمارهٔ ۱۰۲۴ امید، درمقالهٔ معنون به(اهمیت مردم ورهبریت در انکشاف ملل) منتشرهٔ ستون اول صفحهٔ دوم پراگراف سوم، متنی از کتب انجیل تحریف شده، نقل گردیده که کاملاً درمخالفت به کلام الله مجید بوده وصراحت دهندهٔ این فرمایش حق تعالی است که حضرت عیسی (ع)



فرزندحضرت بی بی مریم (ع) بود وهیچ شک و ربیی در آیات مبین وجود ندارد، هر آن که ویرا نسبت فرزندی خداوند میدهند، مطلقاً کافر میباشد.اداره در تلک تنتل قسروت بدید رنگش از ترس جان سپید پرید! گفت هرکز نمی روم سویش لیک از دور می کنم بوبیش! ناگهان پای موشک نادان خورد بر گوشهٔ تلک لـرزان! موش درساغتی که جان میداد گفت بر نفس فتنه لعنت باد!

حملهء گروه طالبان مسلح مخالف دولت . در شهرنو کابل پایان یافت

۶ سپتمبر/ کابل — صدای امریکا: در ییست و چهار ساعت گذشته سه حملهٔ انفجاری و انتحاری در کابل انجام شده است. حمله اولی در حوالی ساعت ۱۱ شب گذشته ، زمانی به وقوع پیوست که یک مهاجم انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری خود را در محلهٔ شهرنو کابل و در نزدیکی موسسهء خیریه پاملرنه منفجر ساخت.

صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله گفت پس از انفجار موتر، شماری ازمهاجمین داخل ساختمان شدند و با نیروهای امنیتی به درگیری پرداختند. نیرو های قطعات خاص پلیس ملی، بلافاصله به محل رسیده و عملیات نجات گیرماندگان را آغازکردند.در این حمله شش فرد ملکی زخمی شدنداین حمله، پس ازیازده ساعت درگیری، حوالی ساعت ده پیش از چاشت امروز با کشته‌شدن سه مهاجم دیگر پایان یافت.

وزارت داخله با نشرخبرنامه گفت عملیات ضدتروریستی نیروهای پلیس ملی، بادقت تمام انجام شد و تلاش صورت گرفت تا در جریان عملیات افراد ملکی آسیب نبینند. بر اساس خبرنامه، نیروهای قطعات خاص پلیس افغان توانستند ۴۲ فرد ملکی را که در ساختمان گیر مانده بودند، نجات دهند. ده فردی که نجات یافته اند، خارجی می باشند. طالبان گفته اندحمله را پیکارجویان انتحاری این گروه انجام داد و هدف آنها دفتر استخباراتی در آن ساحه بود. شهرنو کابل، ساحه‌ای است که اکثر دفاتر مؤسسات و مهمان خانه‌های خارجی در آن جا موقعیت دارد . این حمله نیز در نزدیکی ساختمان شرکت مخابراتی ام تی ان ، تعمیر اسبق وزارت داخله ، ساختمان کابل بانک نو است، صورت گرفته است. دفتر رحمت‌الله نیل رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان نیز رو به روی محل حمله موقعیت دارد و قسماً تخریب شده است.

کابل در کمتر از ۲۴ساعت گذشته، شاهد چهار حملهٔ انفجاری و انتحاری بود که ضمن آن ییست و چهار نفر کشته شدند و نود و یک نفر زخمی گردیدند.
داکتر وحیدالله مجروح گفت ممکن شمار کشته ها به دلیل وخیم بودن وضعیت صحنی برخی مجروحین افزایش یابد. در بین قربانیان حملات دیروزی، نظامیان و افراد ملکی شامل اند.گفته می شود جنرال زمان احمدزی، معاون محافظت ریاست جمهوری، عبدالرازق پنجشیری معاون لوای حمایه وزارت دفاع، مولانا صادق رئیس امنیت کابل ، سید زمان حسینی آمر حوزهٔ دوم پلیس و یک معاونش در حملات دیروزی به شهادت رسیده اند .
طالبان مسؤولیت آن همه حملات را به دوش گرفته اند و در اعلامیه ای ادعا کرده اند که پنجاه و هفت سرباز نیروی امنیتی افغانستان را کشته وده ها تن دیگر را زخمی کرده اند .

نتیجه حملات وحشیانه شبکهٔ آدمکش حقانی در شهر کابل :

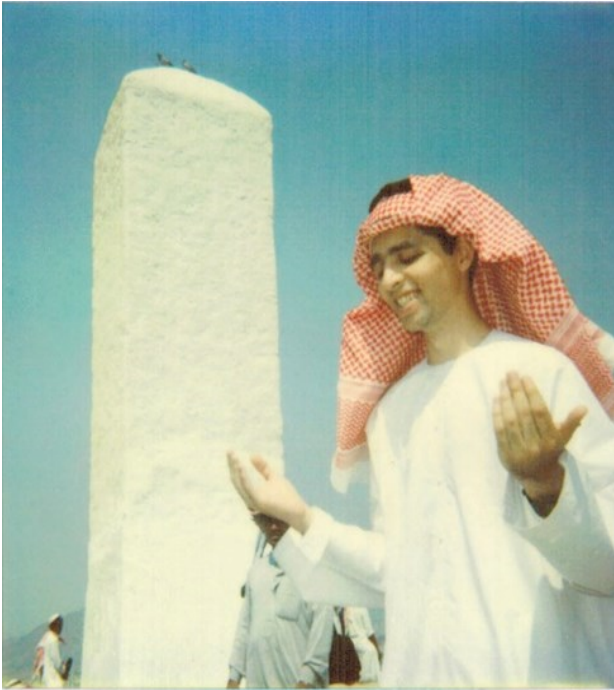
سی و پنج تن شهید و یک صد و سه تن زخمی . بیشترین شان افراد ملکی !

۵ سپتمبر / کابل — صدای امریکا: مقامات وزارت دفاع افغانستان می گویند که انفجار اولی در نزدیکی پل یک پیسه گی در نزدیک محوطه وزارت دفاع به وقوع پیوسته است . دو حملهٔ انفجاری پی در پی حوالی ساعت سه و چهل دقیقهٔ پس از چاشت امروز به وقت محل، هنگام رخصتی کارمندان وزارت دفاع افغانستان به وقوع پیوست . به اساس معلومات تازه که معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان ارا به نمود در دو حملهٔ انفجاری روز دوشنبه سی و پنج نفر کشته شده اند و یک صد و سه نفر زخمی شده اند.

جنرال محمد رادمش معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان با تأیید وقوع حملات ، گفت : انفجار اولی در نزدیکی پل یک پیسگی در مرادخانی ، ازمربوطات حوزهٔ دوم شهر کابل ، در آن سوی سرک در مقابل دروازه وزارت دفاع به وقوع پیوست ، زمانیکه مردم و نیروهای امنیتی برای کمک به زخمیان انفجار اولی شتافتند ، مهاجم انتحاری دوم مواد همراه خود در بین مردم منفجر ساخت.

داکتر وحیدالله مجروح ، رئیس روابط خارجی و سخنگوی وزارت صحت عامهٔ افغانستان گفت : تا کنون از محل رویداد ، ییست و چهار شهید و نود و یک نفر زخمی به شفاخانه‌های شهر کابل منتقل شده اند. این تعداد از قربانیان فقط از سوی وزارت صحت افغانستان و کابل امبولانس ها به شفاخانه ها منتقل شده اند. علاوه بر این ارقام، وزارت های دفاع افغانستان و وزارت امور داخلهٔ

به یاد شادروان محمدعصیم کوشان که همکارمهربان امیدتا روز پیوستنش به حضرت حق (ج) بود .



این عکس شادروان محمدعصیم جان رادرحال دعای خالصانه به حضور حضرت حق تعالی نشان میدهد. مادرش، برادرش ومن هیچگاه چهرهٔ او را چنین شاداب وپرنشاط، که از تۀ دل به نیایش خدایش پرداخته، و مسرت و خوشی از تمام وجودش هویداست، نه دیده بودیم وهر گزهم نخواهیم دید. رحمت خداوند و درود پیامبربرحقش برروان محمد عصیم باد! (تاریخ عکس روز۱۳ اکتوبر۲۰۰۳– درجلل الرحمه، محل ایراد خطبهٔ حج الوداع رسول کریم ص، واقع صحرای عرفات)

روزم به غم وششب به الم می گذرد

عمرم همه در محنت و غم می گذرد

سرمایهٔ عمرمن همین یک دو دم است

افسوس که بی تو دم به دم می گذرد

من درد ترا به هیچ درمان ندمم
خاک قدمت به آب حیوان ندمم
تاجان ندمم خیالت از سر نرود
از دل نرود مهر تو تا جان ندمم

دور از مهٔ رخسار تو تا کی باشم

بی لعل شکریار تو تا کی باشم

برعمر چه اعتماد وبا گردش چرخ

محروم ز دیدار تو تا کی باشم

شب قصهٔ هجران جگرسوز کنم
روز آرزوی وصل دل افروز کنم
القصه که دور از تو به صدخون جگر
روزی به شب آرم وشبی روز کنم

ای چشم جهان بین مرا نور از تو

ایام مرا ساخته مهـجور از تو

دوری تو کرده است بیمار مرا

نزدیک به مردن شده ام دوراز تو

لسان الغیب حافظ شیرازی

در فراق فرزند

ای غایب از نظر به خدا می سپارم

جانم بسوختی و به دل دوست دارم

تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک

باور مکن که دست ز دامن بدارم

محراب ابرویت بنما تا سحرگهی

دست دعا بر آرم و در گردن آرمت

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی

صد گونه جادویی بکنم تا ییارم

خواهم که پیش میرم تی بی وفا طیب

صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار

بر بوی تخم مهر که در دل بکارم

خونم بریخت وز غم عشقم خلاص داد

منت پذیر غمزه خنجر گذارم

می گریم و مرادم از این سیل اشکبار

تخم محبت است که در دل بکارم

بارم ده از کرم سوی خود تا به سوز دل

در پای دم به دم گهر از دیده بارم

حافظ شراب وشاهدو رندی نه وضع توست

فی الجمله می کنی و فرو می گذارم

گفته است : « گروه های تروریستی با ایجاد وحشت و ترس، حملات انتحاری و انفجاری نمی توانند به اهداف شوم خود برسند. » او مثل همیشه گفت : مخالفین مسلح توان جنگ را در میدان های نبرد از دست داده اند و حالا دست به این گونه حملات تروریستی در شهر ها ، شاه راه ها و ساحات ملکی انجام می دهند.

گروه طالبان مسؤولیت دو انفجار متذکره را در نزدیکی وزارت دفاع افغانستان پذیرفته اند .

کمیسیون مستقل دفاع از حقوق بشر افغانستان :
گلبدین باید از مردم کشور عذرخواهی کند
به گفته خانم سمر هیچ کسی نمی تواند جرایم جنگی را ببخشد
۲۴ سپتمبر /کابل —بی بی سی: داکتر سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل دفاع از حقوق بشر افغانستان از رهبر حزب گلبدین خواست که به دلیل مشارکت در جنگهای داخلی دهه هفتاد مجاهدین در کابل، از مردم عذرخواهی کند.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

به نام خداوند یکتا

در بارهٔ حزب خدمتگار مردم افغانستان

روزگاری است که ملت ستم کشیدهٔ افغانستان درد می کشد. درطول سالهای اخیر نه تنها از رنج و اندوه این ملت حفا دیده کاسته نشد بلکه شدت مصایب آن افزون تر گردید و بحران های گوناگون همه ابعاد زندگی را فرا گرفت. دردهای جانسوز مردم ما از فقدان امنیت تا بلای جنگ واز بیکاری جوانان و فقر گرفته تا فساد بی پایان در دستگاه اداری کشور همه ترازیدی دردناک واقعیت تلخ زندگی ماست. و به وجود حکومتی که قصد خدمت را ندارد و بجز وعده های میان تهی و دروغین هیچگونه برنامه ئی، راهکاری و دست آوردی از آن متصور نیست، نمی توان امید بست. هر روزی که می گذرد یأس و ناامیدی مردم بیشتر می شود. درین حال عرصهٔ سیاسی مملکت از تشکیلی قابل اعتماد که بتواند با آوردن تغییر و حل مشکلات و نارسائی ها روزنهٔ امیدی بر رخ مردم بگشاید خالی است و نیاز ملی به وجود حزبی فراگیر که همهٔ ملت خود را در آئینه آن بیابد و به همه اقوام افغانستان متعلق باشد به شدت محسوس است.

اینک به منظور رفع این کاستی و پیکار در برابر زشتی و تاریکی و پلیدی و آوردن تغییر به سود مردم و سرزمین خون آلودمان برماست که احساس مسئولیت کنیم و در محدودهٔ یک حزب سیاسی نیرومند با اخلاص و صداقت وصفای نفس در تعیین سرنوشت امروز و فردایمان با بکار گیری حقوق مدنی خویش سهم استوار بگیریم.

حزب «خدمتگار مردم افغانستان»به توفیق الهی وهمت شمار چشمگیری از استادان پوهتون های مختلف کشور، دانشمندان آکادمی علوم افغانستان، محصلان و دیگر جوانان آگاه و رسالتمند، علمای دین، اهل قلم، هنرمندان و سایر قشرهای خبیر و آگاه جامعهٔ ما اعم از زنان و مردان تأسیس شده است. تا در سایهٔ تعلیم اسلامی و احساس مسئولیت ملی ودرک عمیق رنج و اندوه مردم راهگشای ملت ما به سوی رستگاری و سربلندی و کامگاری باشد.

عضویت شما عزیزان دراین حزب که به عنایت پرودگار یگانه کانون فروزان پیکار شجاعانه در راه دمو کراسی ورفاه و سعادت مادی و معنوی ملت ماخواهد بود ، ادای وجبیهٔ وجدانی در برابر توده های معصوم این دیار به حساب می رود. نقش مؤثر شما درین حزب فردای درخشان و پرنشاط و سرفراز ما را نوید میدهد.

کاری کنیم ، ورنه به حسرت کشندمان

روزی که رخت جان به سرای دگر کشیم

داکتر سیدمخدوم رهین — کابل، اسد ۱۳۹۵

برای ارائهٔ نظریات و پیشنهادات با شماره های تلفون و آدرس های برقی با حزب خدمتگار مردم افغانستان تماس بگیرید.

۰۷۸۲۱۰۰۰۹ — ۰۷۷۴۵۹۸۱۴۵ — ۰۷۷۱۹۸۴۹۷۸

Zobair.zahid@gmail.com,

mehravahalavi@gmail.com,

zabihullah_asadi05@yahoo.com

دعا در حق لفظ پارسی

به پرتو فتایش در نیم روز

که تار یک وروشن کندبزمگاه

ز دل تیرگی ها کند ناپدید

به درگاه حق داور چاره ساز

به پروردگار هم آن و هم این

خدای سخن در زبان آفرید

«سخندان پرورده پیر کهن »

عطا کن نشان زبان آوری

روایی ده این پارسی قند را

زبان دری را نگهبدار باش

سرودهٔ تازه از جناب محمدیوسف صفا

نیامد برون کسی از آن گوهر تار

که چونست آن جا یکی روزگار

به چنگ آر دامن حق را و بس

ز ترفند واعظ دگر غم مدار

طرفهای درگیر در جنگهای داخلی نیست، اماحداقل متهمان جرایم جنگی باید گناه خود رایبذیرند و از مردم عذرخواهی کنند. این کمیسیون خواهان حل منازعه از طریق مذاکره است، ولی خواستار از بین بردن عدالت، حق مردم و قربانیان نیست.

به گفته خانم سمر، هیچ کسی نمی تواند حق العبد را ببخشد و یا جرایم جنگی و جرایم ضد بشری را بخشش کند. او گفت به عنوان یک شهروند می گوید که گلبدین باید شهامت به خرج دهد و از مردم افغانستان و از قربانیانی که توسط افراد حزب او قربانی شده‌اند، معذرت بخواهد که باعث باز شدن زمینه یک روند سیاسی شود.

کمیسیون مستقل دفاع از حقوق بشر افغانستان ، گزارش عدالت انتقالی تهیه و جنگ های بین سال های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۱میلادی را مستند سازی کرده ، اما تاکنون این گزارش را نشر نکرده است.

بی بی سی خواست که نظر حزب گلبدین را درین مورد داشته باشد ولی با وجود تماس های مکرر موفق به این کار نشد. حزب برهری وی و دولت وحدت ملی افغانستان هفته گذشته توافقنامه صلح امضا کردند .

خلیل پارسا از فعالان مدنی ولایت هرات در حمله مسلحانه زخمی شد

۲۴ سپتمبر /هرات —بی بی سی: خلیل پارسا مسؤول شبکه هماهنگی نهادهای مدنی در هرات، در حمله مسلحانه یک فرد ناشناس به شدت زخمی شده است. وضعی صحنی پارسا در اول وخیم خوانده شد، اماوضع جسمی او ازحالت بحرانی بیرون شده ورضایتبخش است. پلیس هرات گفت تحقیقات آنان امیدوار کننده بوده و عامل این قضیه به زودی گرفتار خواهد شد.

